

سیاست های جمعیتی کشور آمریکا

شماره گزارش: ۱۰۲۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

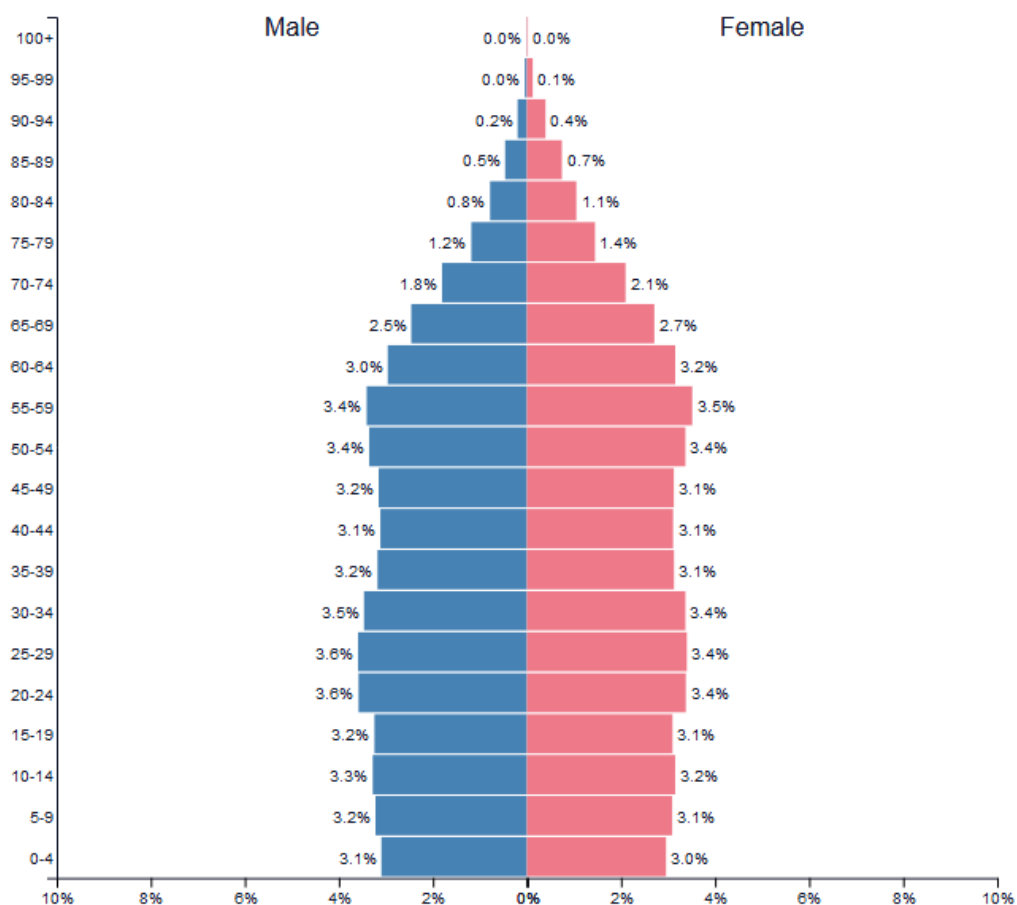
<http://cpdi.ir/news/id/3029/>

سیاست‌های جمعیتی کشور آمریکا

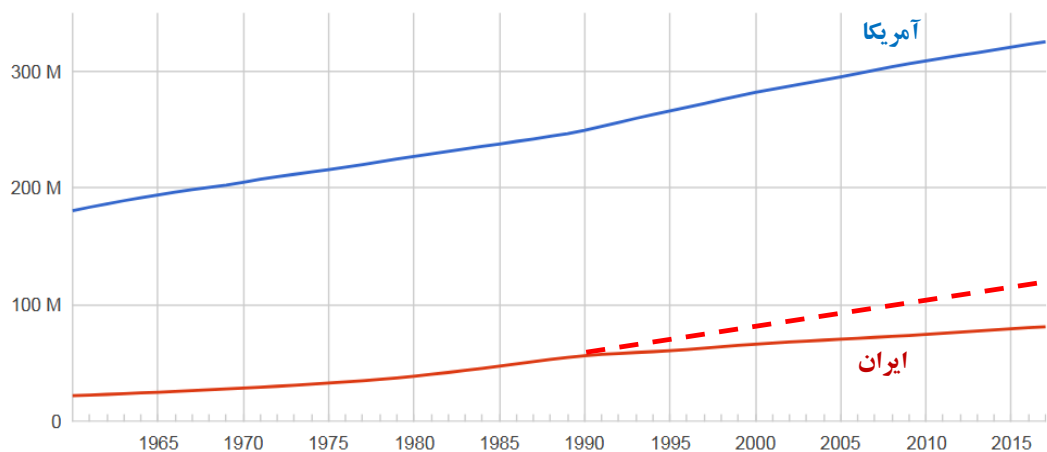
مقدمه	۲
۱. بخش اول: سیاست‌های فرزندآوری ایالات متحده آمریکا	۴
۱-۱ تاریخچه سیاست‌های فرزندآوری داخلی و خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم	۴
۱-۲ افزایش باروری در مهاجران غیرقانونی، نوجوانان و اراد کم‌درآمد	۶
۱-۳ عدم وجود سیاست‌های تشویقی فرزندآوری از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون	۷
نمونه: تنها کشور پیشرفته که در آن مرخصی بارداری و زایمان وجود ندارد.	۱۰
مرخصی فرزند دار شدن پدران	۱۲
۱-۴ وجود موسسات مردم‌نهاد متعدد مخالف افزایش جمعیت	۱۳
۱-۵ ظهور طرح‌های افزایش نرخ باروری از سال ۲۰۱۷	۱۵
۱-۵-۱ طرح افزایش چشمگیر اعتبار مالیات بر دستمزد	۱۶
۱-۵-۲ طرح افزایش اعتبار مالیاتی فرزندان	۱۶
۱-۵-۳ طرح افزایش اعتبار کودکان زیر ۶ سال و پرداخت ماهیانه	۱۷
۱-۵-۴ طرح مرکز ترقی آمریکا	۱۷
۱-۵-۵ طرح پژوهشگران دانشگاه مدیسون	۱۸
۱-۵-۶ تحلیل اثربخشی طرح‌های مهم	۱۹
۲. بخش دوم: سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده آمریکا	۲۱
۲-۱ اهم مقررات مهاجرتی از زمان تشکیل کشور آمریکا	۲۲
۲-۲ دولت باراک اوباما:	۳۱
۲-۳ دولت دونالد ترامپ:	۳۳
۲-۴ اهمیت تغییرات نژادی در جمعیت آمریکا	۳۳
جمع بندی	۳۶
منابع:	۳۸

مقدمه

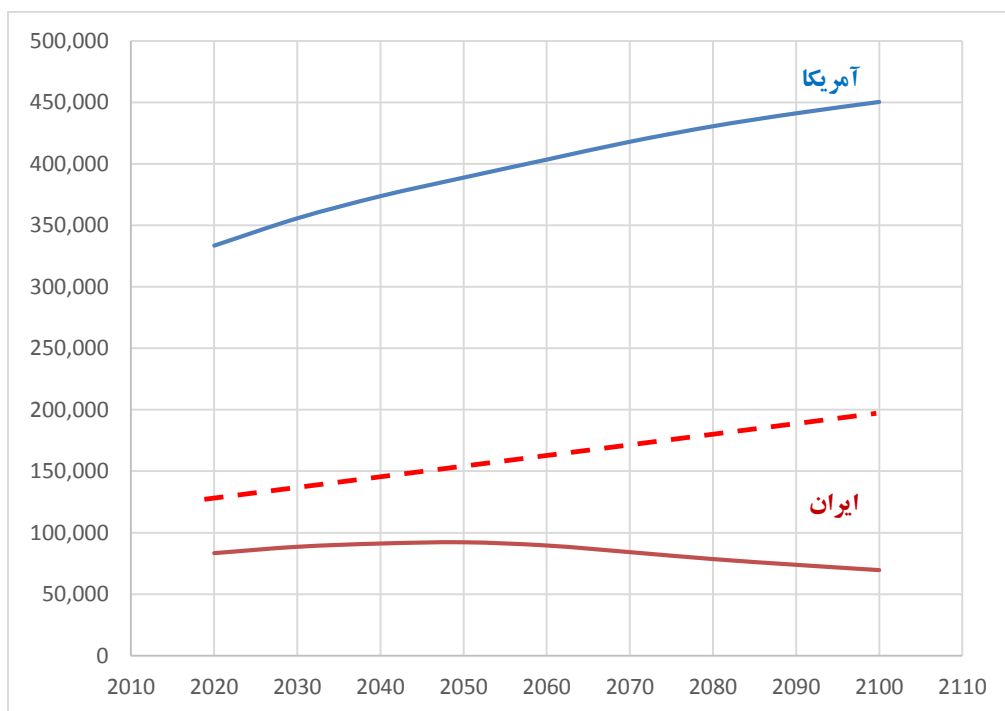
کشور آمریکا با ۳۲۵ میلیون نفر جمعیت، پس از چین و هند سومین کشور پرجمعیت دنیا می‌باشد. روند افزایش جمعیت این کشور پس از جنگ جهانی دوم بصورت یکنواخت و صعودی بوده است و با توجه به نرخ باروری نسبتاً ثابت و مهاجرپذیری بالا، سازمان ملل متحد روند جمعیت این کشور را تا سال ۲۱۰۰ صعودی پیش بینی کرده است.



نمودار ۱- هرم جمعیتی آمریکا



نمودار ۲- روند افزایش جمعیت آمریکا و ایران از سال ۱۹۶۰ تا کنون (منبع: بانک جهانی)



نمودار ۳- پیش بینی سازمان ملل برای ادامه روند جمعیت آمریکا و ایران (تا ۲۱۰۰)

۱. بخش اول: سیاست‌های فرزندآوری ایالات متحده آمریکا

۱-۱ تاریخچه سیاست‌های فرزندآوری داخلی و خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم

رویکرد دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی: ↓توسعه → ↑جمعیت

۱۹۵۹: کمیسیون ریاست جمهوری پیشنهاد همکاری آمریکا با کشورهایی که درخواست تهیه برنامه‌های پیشگیری از رشد جمعیت داشتند را ارائه داد اما با پاسخ منفی و قاطع رئیس جمهور وقت آیزنهاور روبه‌رو شد.

۱۹۶۰: کندی بعنوان اولین رئیس جمهور کاتولیک انتخاب شد و دقیقاً برعکس سیاست‌های آیزنهاور عمل کرد. برنامه همکاری بین‌المللی USAID از سال ۱۹۶۵ آغاز شد.

۱۹۶۶: امضای بیانیه جمعیتی توسط رهبران ۳۰ کشور دنیا مبنی بر پیامدهای نامناسب رشد غیربرنامه‌ریزی شده جمعیت و تأکید بر لزوم فراهم آوردن خدمات تنظیم خانواده توسط کشورها.

۱۹۶۸: کنفرانس حقوق بشر تهران، مصوبه ۱۸: والدین بر مبنای حقوق اولیه خود حق دارند تعداد و اختلاف سنی کودکانشان را تعیین کنند و به این منظور اطلاعات و تحصیلات لازم در این زمینه را دارا باشند.

۱۹۶۹: تأسیس صندوق فعالیت‌های جمعیتی^۱ در سازمان ملل متحد.

۱۹۷۴: کنفرانس بین‌المللی جمعیت در بخارست: آمریکا و تعدادی از کشورهای پیشرفته بر تأثیر مستقیم برنامه‌های تنظیم خانواده بر پیشرفت ملی کشورها تأکید کردند. این نظر به شدت توسط برخی از کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند مورد انتقاد قرار گرفت. این کشورهای مدعی بودند که توسعه طبیعتاً منجر به کاهش نرخ باروری می‌شود. با این وجود هند در ۱۹۷۶ قانون مستبدانه نابارورسازی و چین در ۱۹۷۹ قانون تک‌فرزندی را اجرا کردند.

رویکرد دهه ۱۹۷۰ میلادی (تئوری تجدید نظر شده): ↑توسعه → ↓جمعیت

۱۹۸۰: انتخاب رونالد ریگان بعنوان رئیس جمهور و اتخاذ سیاست‌های محافظه کارانه مانند قانون ممنوعیت سقط جنین.

^۱ UNFPA

۱۹۸۴: کنفرانس بین‌المللی جمعیت در مکزیکوسیتی: آمریکا برخلاف موضع‌گیری‌های قبلی، مشکل اصلی را دخالت‌های حکومتی دانسته و راه حل را تغییرات اساسی اقتصادی برای زمینه‌سازی رشد پایدار دانست. این بار نیز موضع‌گیری‌های آمریکا توسط چین و برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد قرار گرفت.

رویکرد دهه ۱۹۸۰ میلادی: نمی‌توان رابطه مستقیمی برای جمعیت و توسعه قائل شد. جمعیت $\neq$ توسعه

*در دهه ۱۹۸۰ میلادی مواردی همچون بازار آزاد و دموکراسی در اولویت قرار گرفته و جمعیت بعنوان پدیده‌ای طبیعی و زمینه‌ساز رشد اقتصادی تلقی شد.

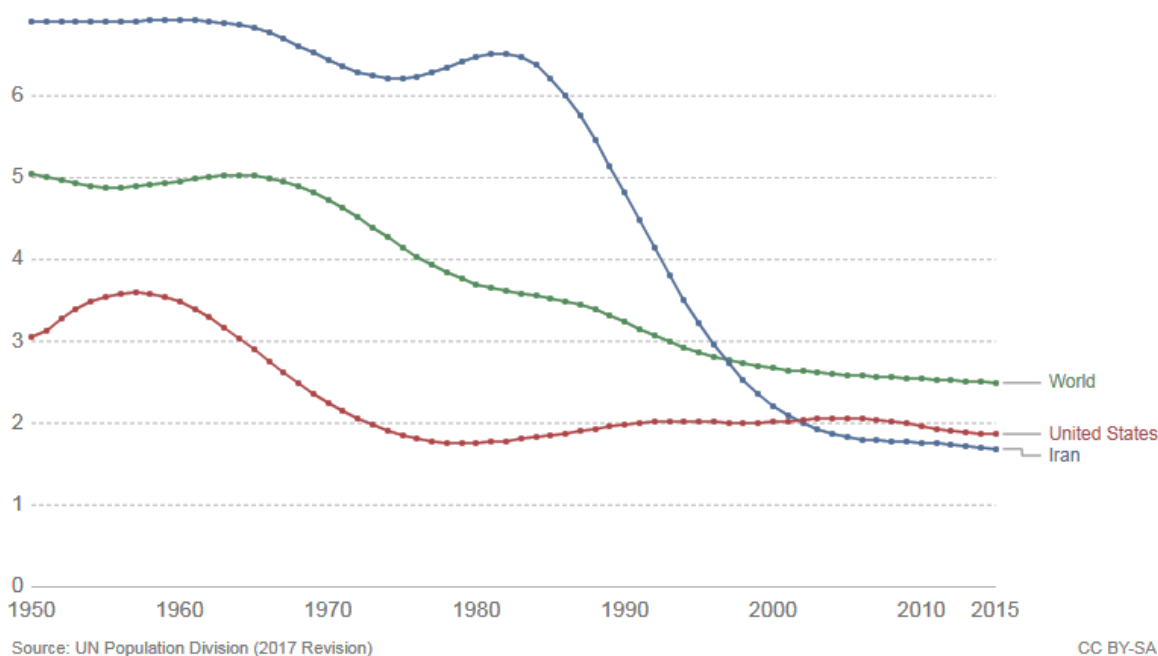
۱۹۹۴: کنفرانس بین‌المللی جمعیت در قاهره: تأکید بر حقوق بشر، برابری جنسیتی و حقوق زن.

رویکرد دهه ۱۹۹۰ میلادی: ارتقاء دموکراسی و حقوق بشر موجب افزایش توأمان جمعیت و توسعه می‌شود:

↑ توسعه + جمعیت → ↑ حقوق بشر

ثبات نسبی نرخ باروری زنان آمریکایی در نیمه دوم قرن بیستم در مقایسه با میانگین جهانی در نمودار ذیل دیده می‌شود.

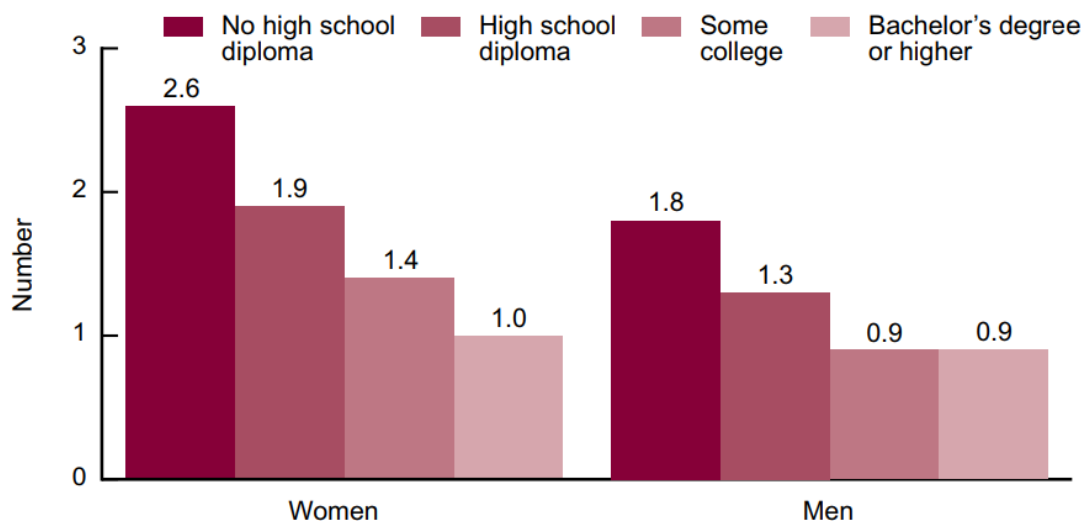
کشور	نرخ باروری در ۱۹۵۰	نرخ باروری در ۲۰۰۰	میزان کاهش در نیم قرن
ایران	۶٫۹۲	۲٫۲۱	۴٫۷۱
آمریکا	۳٫۰۵	۲٫۰۲	۱٫۰۳
جهان	۵٫۰۵	۲٫۶۷	۲٫۳۸



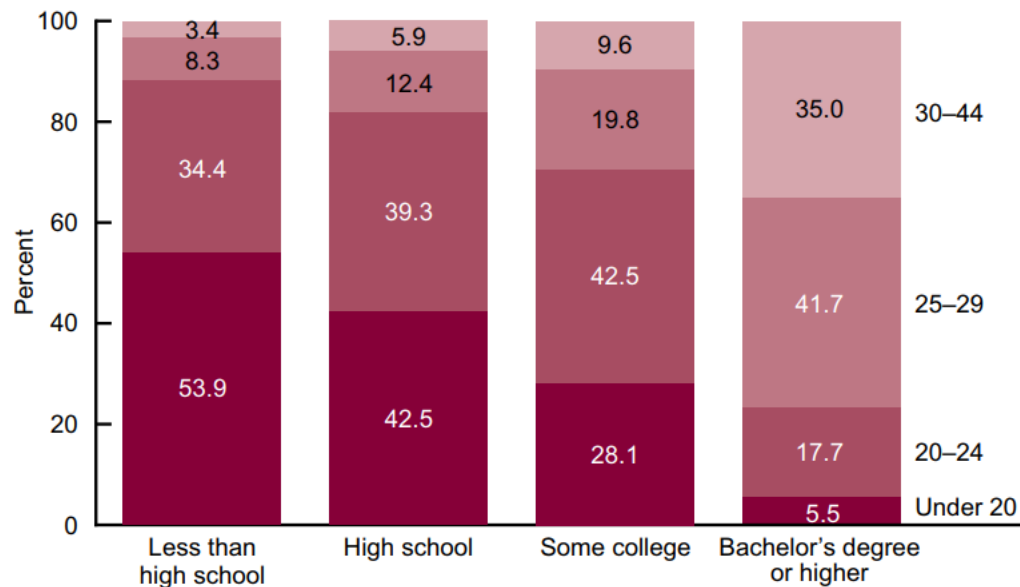
نمودار ۴- ثبات نسبی نرخ باروری در آمریکا نسبت به جهان

۱-۲ افزایش باروری در مهاجران غیرقانونی، نوجوانان و افراد کم‌درآمد

تأثیر دو سیاست اصلی تأکید بر حقوق بشر (از دهه ۱۹۹۰) و عدم دخالت دولت (از دهه ۱۹۸۰) بر رشد جمعیت آمریکا از طرفی موجب کاهش باروری افراد تحصیل کرده و همچنین سفیدپوستان، و از طرف دیگر موجب افزایش بارداری ناخواسته دختران نوجوان، مهاجران کم‌درآمد (عموما مکزیکی و آسیای شرقی) شد. فرزندآوری‌های ناخواسته و فقیرانه موجب تحمیل هزینه‌های بسیار گزافی به سیستم سلامت آمریکا شد.



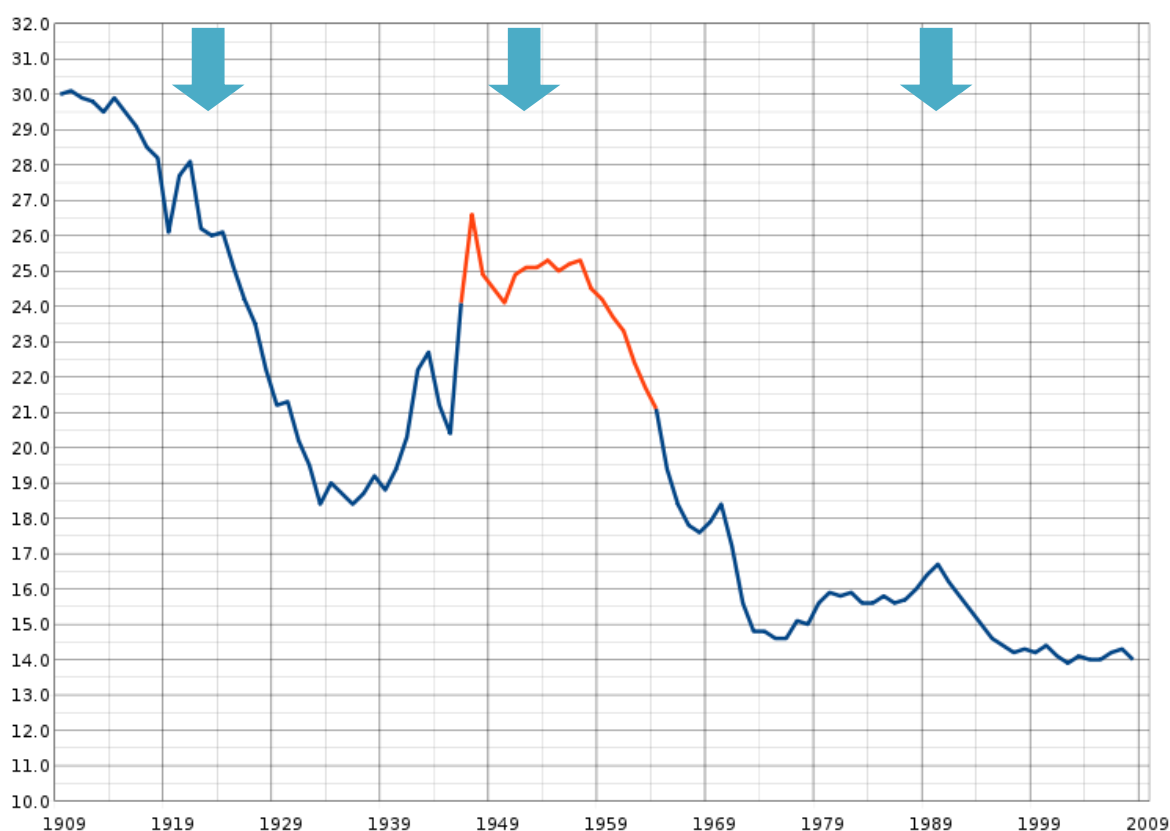
نمودار ۵- میزان باروری مردان و زنان آمریکایی به تفکیک میزان تحصیلات در بازه سالهای ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰



نمودار ۶- باروری طبقات مختلف تحصیلی آمریکا در سنین مختلف (Martinez G. M., 2012)

۳-۱ عدم وجود سیاستهای تشویقی فرزندآوری از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون

دفتر امور جمعیتی که ذیل اداره سلامت عمومی قرار دارد مسئول تأمین سلامت در حوزه فرزندآوری می‌باشد. با ورود به وبسایت این دفتر مشاهده می‌شود برنامه تنظیم خانواده Title-X (وضع شده در زمان ریاست جمهوری نیکسون در دهه ۱۹۷۰ میلادی)، امور مربوط به سقط جنین و آموزش کامل روش‌های پیشگیری از بارداری دارای اهمیت زیادی هستند. وجود سه Baby Boom طی قرن ۲۰ (Baby Boom دوم دارای اهمیت بیشتر بوده و معمولاً تنها از آن یاد می‌شود) در کنار ورود مهاجران موجب عدم نیاز به اتخاذ سیاست‌های تشویق فرزندآوری شده است. دو Baby Boom اول به دلیل خروج از جنگ و Baby Boom سوم بدلیل به سن ازدواج رسیدن نوزادان Baby Boom دوم به وجود آمده است. هر سه مورد در نمودار ذیل که شامل تعداد سالانه متولدان بازای هر ۱۰۰۰ زن از اوایل قرن ۲۰ می‌باشد قابل مشاهده است.



نمودار ۷- سه رشد مهم در تعداد نوزادان متولد شده از ۱۰۰۰ زن در سال (در آمریکا)

۱-۳-۱ رشد اول

پس از جنگ جهانی اول و بدلیل کاهش فشارها و مشکلات جنگ از ۱۹۱۹ شروع شده و مدت آن در آمریکا ۵ سال و در اروپا و جهان ده سال بوده است. به دلیل کمتر درگیر شدن آمریکا در جنگ، این مورد در بین ۳ بار افزایش نرخ نوزادان در آمریکا از همه کوتاه‌تر و کم‌اثرتر است.

۱-۳-۲ رشد دوم

پس از جنگ جهانی دوم افرادی که به دلیل حضور یا تأثیر پذیرفتن از جنگ اقدام به ازدواج و فرزند آوری نکرده بودند و سنشان تقریباً از سن ازدواج گذشته بود به افرادی که به صورت طبیعی به سن ازدواج رسیده بودند اضافه شده و تعداد تولد نوزادان به بیش از ۲۰ تولد بازای هر هزار زن در سال رسید. این رشد که در نمودار به رنگ قرمز نشان داده شده است، از ۱۹۴۶ آغاز و در آمریکا بیش از ۱۰ سال به طول انجامیده است. در آمریکا کسانی که در این سالها به دنیا آمده‌اند را Baby Boomer می‌دانند و برای آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی نسبتاً خوبی قائل هستند و اعتماد به نفس بالا و توانایی‌های فردی این گروه را به انرژی‌های مثبت حاصل از پیروزی در جنگ جهانی دوم نسبت می‌دهند. سه رئیس جمهور از چهار رئیس جمهور اخیر آمریکا شامل بیل کلینتون، جرج بوش پسر و دونالد ترامپ متولد ۱۹۴۶ هستند.

همانطور که در ایران تا حدی نسل‌ها نامگذاری می‌شوند، (مانند دهه شصتی، دهه هفتادی و ...)، در آمریکا به مراتب بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود. مرزبندی سنی نسل‌بندی آمریکایی‌ها چندان دقیق و بر حسب سال نیست. با توجه به شرایط جامعه، در زمان تولد و پس از آن (مانند میزان رفاه در خردسالی، محدوده سنی که کامپیوتر و اینترنت در زندگی آن نسل وارد شده است و ...) برای هر کدام از نسل‌ها ویژگی‌های مختلفی اعم از میزان اعتماد به نفس، مذهبی بودن، نحوه ارتباط با والدین و تعیین و متصور می‌شود. نسل‌ها در آمریکا عبارتند از:

نام نسل	محدوده زمانی (تقریبی)
Lost Generation	قبل از سال ۱۹۰۰
G.I. Generation	از ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۷
Silent Generation	از ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۵
Baby Boomer	از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ (بعد از جنگ جهانی دوم)

Generation X	اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰
Millennials	دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰
Generation Z	اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی

۳-۳-۱ رشد سوم

این رشد از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز و تا اوایل ۱۹۹۰ به طول انجامید. هر چند علت این افزایش تعداد نوزادان در این برهه زمانی دلایل مختلفی دارد، اما مهمترین دلیل آن فرزند آوری Baby Boomer ها است. نوزادان زیاد متولد شده پس از جنگ جهانی دوم حال به سن بچه دار شدن رسیده بودند و با وجود کاهش نرخ باروری، تعداد زیاد والدین و شرایط اقتصادی مناسب موجب تعداد بالای نوزادان این برهه شد. عواملی مانند مهاجران و غیرقانونی ماندن سقط جنین مواردی هستند که بیش از آنکه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت باشند، بعنوان نبود سیاست انقباضی و مانع تراشی برای افزایش نوزادان تلقی می‌شوند.

دغدغه‌های ایجاد سیاست‌های جمعیتی در آمریکا از زمان ریاست جمهوری نیکسون جدی شد.

۴-۳-۱ ریاست جمهوری نیکسون

اولین رئیس جمهور آمریکا که دغدغه‌های مرتبط با نرخ باروری در آمریکا را به طور جدی مطرح نمود نیکسون است. در زمان وی دو کارگروه مهم برای بررسی وضعیت رشد جمعیت و سیاست‌هایی که باید در آینده اتخاذ شوند تشکیل شد که در ادامه توضیحات مختصری در مورد آن‌ها ارائه شده است.

کمیسیون راکفلر^۲

کمیسیون راکفلر در سال ۱۹۷۰ و پس از اظهارات نیکسون در ۱۹۶۹ مبنی بر اهمیت نگرانی‌های مربوط به مسائل جمعیتی تشکیل شد. اعضای این کمیسیون ۲۴ نفر و شامل ۴ نماینده کنگره، اساتید دانشگاه، رهبران اتحادیه‌ها، نمایندگان سازمانهای مردم‌نهاد و یک زن خانه‌دار داوطلب بود. این کمیسیون پس از ۲ سال در سال ۱۹۷۲ نتایج تحقیقات خود را در گزارشی ۳۶۰

^۲ Rockefeller Commission

صفحه ای ارائه داد. این گزارش رشد جمعیت بیش از حد آن زمان آمریکا را در بر آورنده مزایای بیشتری ندانسته و سیاستهایی برای کنترل جمعیت پیشنهاد داد که برخی از موارد مهم آن عبارتند از:

- سقط جنین: از حالت غیرقانونی درآورده شود.
- روش‌های گوناگون پیش‌گیری از بارداری: اندک موانع قانونی آن برداشته شده و کاملاً در دسترس باشند.
- آموزش مسائل جنسی: در تمامی مدارس و سازمانها اجرا شود
- مهاجرت به آمریکا: بر روی رقم ۴۰۰ هزار نفر در سال محدود و ثابت شود
- لایحه برابری حقوق زنان: حمایت شده و هر مانعی که بر سر راه برابری جنسیتی است برداشته شود.

(POPULATION-SECURITY, 1969)

لازم به ذکر است نیکسون این گزارش را نپذیرفت و به دلایلی اعم از تأکید گزارش بر لزوم کاهش تعداد فرزندان خانواده به حداکثر ۲ نفر از تأیید آن سرباززد.

پژوهش NSSM 200^۳

نیکسون در اواخر ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۷۴ دستور انجام مطالعه NSSM200 را با مدیریت کسینجر برای بررسی تأثیرات رشد بالای جمعیت کشورهای LDC (کم توسعه یافته) بر امنیت و منافع آمریکا صادر کرد. این مطالعه در زمان ریاست جمهوری فورد به پایان رسید. فورد نیز آن را شروعی خوب اما ناکافی دانست.

نمونه: تنها کشور پیشرفته که در آن مرخصی بارداری و زایمان وجود ندارد.

آمریکا در بین کشورهای سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD) تنها کشوری است که طبق قوانین ملی، در آن مرخصی بارداری با حقوق، نه پیش و نه پس از زایمان اختصاص نمی‌یابد. این موضوع بر خلاف مقررات سازمان جهانی کار و سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی می‌باشد. همچنین در بین کشورهای جهان تنها دو کشور دیگر شامل عمان و گینه نو هستند که دارای قانون مرخصی با حقوق بارداری نمی‌باشند. در آمریکا این اختیار به کارفرما داده شده است که با توجه به سیاستهای حمایتی خود

^۳ National Security Study Memorandum 200

از پرسنلش، به آنها مرخصی با حقوق اختصاص دهد. از این رو بسیاری از شرکت‌های بزرگ مانند گوگل و ... مرخصی و سایر خدمات رفاهی مناسب را در اختیار پرسنل قرار می‌دهند.

لازم به ذکر است در قوانین ایالتی کالیفرنیا، نیوجرسی و رود آیلند مرخصی با حقوق بارداری وجود دارد.

هر چند در آمریکا طبق قانون، هیچ شرکتی حق ندارد به خاطر باردار بودن یا صرف زمان برای شیر دادن، کارمند زنی را اخراج کند یا از استخدام او سر باز زند، اما کارفرمایان بخش خصوصی به بهانه‌های دیگر این کار را انجام می‌دهند. با این وجود سیستم رسیدگی به شکایات زنانی که بیش از ۳ ماه کارمند بوده اند و مدعی هستند کارفرمایان به دلیل بارداری آنها را اخراج کرده است وجود دارد.

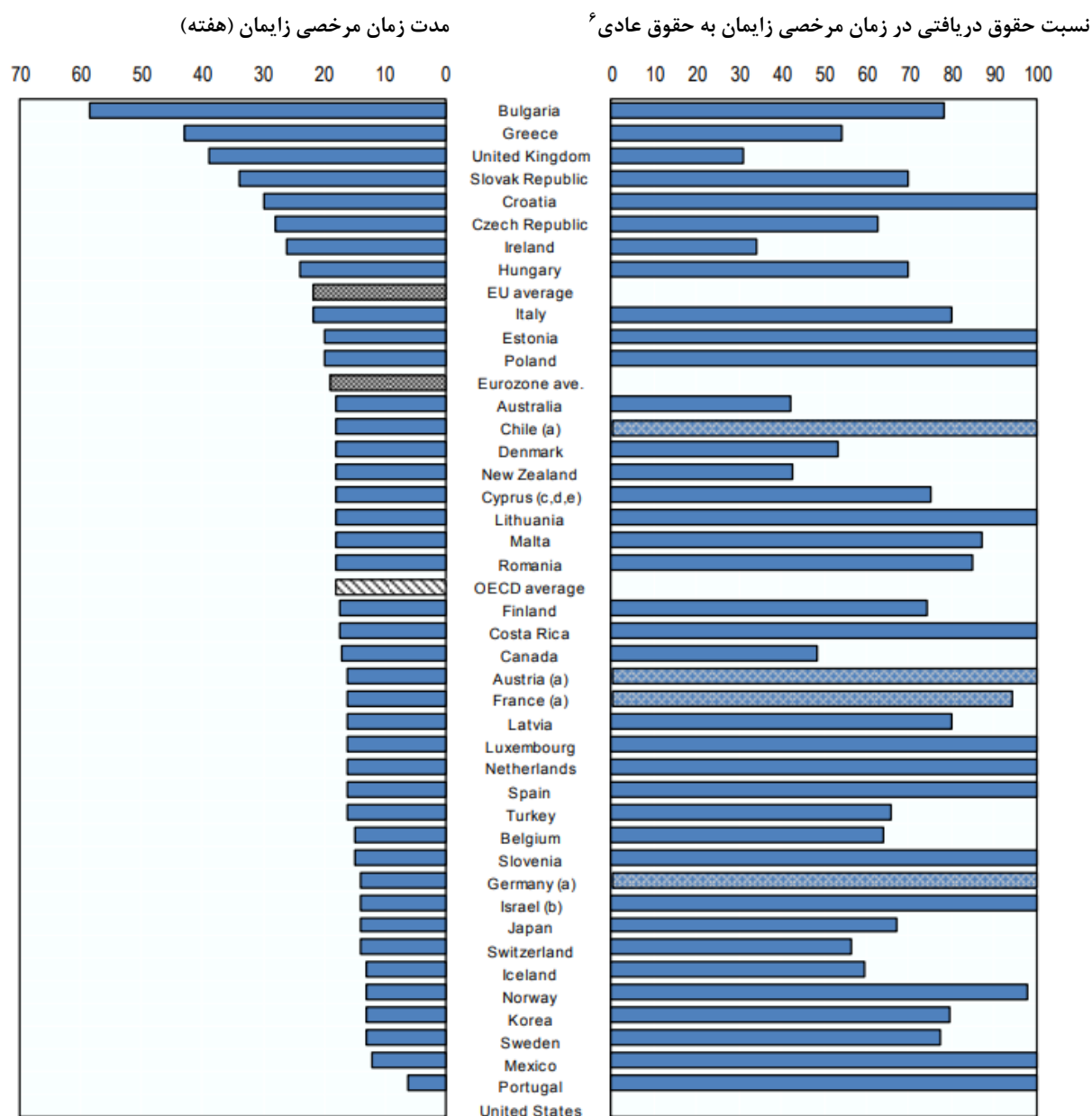
طبق پژوهش اخیر انجمن مدیریت منابع انسانی آمریکا^۴، ۶۰ درصد از کارفرمایان ۱۲ هفته (۳۳ درصد بیش از ۳۳ هفته) بیشتر به کارکنان زن مرخصی بارداری می‌دهند. همچنین طبق این پژوهش تنها ۵۸ درصد از کارفرمایان در این مدت پرداختی به پرسنل انجام می‌دهند.

زنان آمریکایی به جز چهار ایالت کالیفرنیا، نیوجرسی، ماساچوست و ردآیلند مرخصی زایمان با حقوق ندارند. در مورد ۴ ایالت مذکور نیز مدت مرخصی ۶ هفته و مبلغ آن بین نصف تا دو سوم حقوق است که در مقایسه با سایر کشورهای پیشرفته بسیار پایین است. از این رو زنان آمریکایی مجبورند از مرخصی بدون حقوق استفاده کرده و به قانون مرخصی والدین^۵ که تنها حامی حفظ شغل آنها تا ۱۲ هفته پس از تولد فرزند یا پذیرش فرزندخواندگی می‌باشد، تکیه کنند. به بیان روشن قانون مرخصی والدین که در زمان بیل کلینتون امضا شد حقوق حین مرخصی را تضمین نمی‌کند، تنها کارفرمایان دارای بیش از ۵۰ پرسنل را ملزم به اعطای مرخصی ۱۲ هفته‌ای بدون حقوق می‌کند، شرکتهای دارای کمتر از ۵۰ پرسنل همین وظیفه را هم ندارند. با این وجود برخی شرکتهای برای آسایش پرسنل رأسا هزینه مرخصی زایمان را تقبل می‌کنند.

در حال حاضر ۴۷ درصد از شاغلین در آمریکا زن می‌باشند. این درصد بالا ناشی از وجود فرهنگ کار و تلاش مشترک زوجین در خانواده، عدم حمایت مالی خانواده از فرزندان پس از سن قانونی و تلاش افراد برای استفاده از مزایای بیمه‌ای و بازنشستگی است. همچنین در مورد مهاجران نیز شاغل بودن دارای اهمیت بالایی است. ویزاهای دانشجویی و موقت برای تمدید، دارندگان ویزای کار برای اخذ اقامت و دارندگان اقامت برای شهروندی نیاز به داشتن شغل هستند.

^۴ Society of Human Resources Management (SHRM)

^۵ Family and Medical Leave Act (FMLA)



نمودار ۸- میزان حقوق و مرخصی زایمان در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی

مرخصی فرزند دار شدن پدران

^۶ متوسط کشورهای اروپایی، سازمان همکاری اقتصادی و حوزه یورو در این جدول صفر قرار داده شده است. دلیل این موضوع این است که شاخص مدت زمان مرخصی زایمان نسبت به شاخص "نسبت حقوق مرخصی به حقوق عادی در مدت زمان مرخصی زایمان" مستقل تر است. در واقع این که چند درصد از حقوق عادی به فرد تعلق می گیرد وقتی مهم است که مدت زمان مرخصی هم گفته شده باشد.

مادران معمولاً مراقبت از نوزادان را به کمک همسران خود انجام می‌دهند. طبق قانون مرخصی والدین پدر و مادر هر دو می‌توانند از مرخصی ۱۲ هفته‌ای (بدون حقوق) پس از زایمان یا پذیرش فرزندخوانده استفاده کنند. هر چند حتی برخی مادران یک هفته پس از زایمان به سرکار می‌روند. در ایالت کالیفرنیا مرخصی هفتگی با پرداخت بخشی از حقوق برای پدران امکان‌پذیر است. این میزان مرخصی به همراه کسر از حقوق در مقایسه با مرخصی‌های با حقوق کامل به مدت ۴۹ هفته در نروژ و یا ۱۲ هفته در اسلوونی ناچیز است.

۴-۱ وجود موسسات مردم‌نهاد متعدد مخالف افزایش جمعیت

یکی از عوامل مهمی که همواره سیاست‌های غیرکاهشی جمعیت در آمریکا را به چالش می‌کشد، وجود سازمان‌های غیردولتی متعددی است که مخالف افزایش جمعیت آمریکا و بعضاً جهان هستند. در ادامه بعضی از این سازمان‌های پر عضو به طور اجمالی معرفی شده است.

سازمان رشد منفی جمعیت^۷

سازمانی عضو پذیر و ملی در آمریکا است که در سال ۱۹۷۲ تأسیس شده است. اعضای این سازمان به ۲۵ هزار نفر می‌رسد و هزینه عضویت سالانه در آن ۳۰ دلار است. این سازمان به افزایش بی‌رویه جمعیت می‌پردازد و مدافع کاهش تدریجی جمعیت آمریکا و جهان است. به باور این سازمان جمعیت بهینه برای آمریکا ۱۵۰ الی ۲۰۰ میلیون نفر و برای جهان ۲ الی ۳ میلیارد نفر است. بدین منظور این سازمان سیاست‌هایی برای کاهش نرخ باروری زنان آمریکایی به ۱,۵ را پیشنهاد داده است. همچنین این سازمان پیشنهاد کاهش تعداد مهاجران سالانه به آمریکا را از ۱,۵ میلیون فعلی به ۲۰۰ هزار نفر داده است.

موسسه کالیفرنیا برای ثبات جمعیت^۸

موسسه‌ای غیرانتفاعی در کالیفرنیا است که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شده است و هدف آن پاسداری و حفظ ایالت کالیفرنیا با ثبات نگهداشتن جمعیت است. این موسسه از کاهش مهاجرت (توازن آن با تعداد ایجاد شغل)، عدم تبعیض نژادی و ملیتی و حفظ میزان باروری در عدد جایگزینی جمعیت پشتیبانی می‌کند.

مرکز تنوع زیستی^۹

دفتر اصلی این مرکز با بیش از یک میلیون عضو در آریزونا مستقر است، اما این مرکز دفاتر متعددی در سایر ایالتها دارد. مسائل آب و هوایی، صیانت از محیط زیست و حیات وحش از مسئولیتهای مهم این مرکز است و در مورد عدم کاهش مناطق حفاظت شده و آسیب‌های افزایش جمعیت به محیط زیست با دولت آمریکا به مجادله می‌پردازد.

^۷ Negative Population Growth

^۸ Californians for Population Stabilization (CAPS)

^۹ Center for Biological Diversity (CBD)

کلیسای اتانازی^{۱۰}

کلیسای اتانازی یک مجموعه به ظاهر مذهبی غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده است. ایجاد توازن میان جمعیت و مساحت موجود بر کره زمین هدف این موسسه اعلام شده است. کاهش داوطلبانه جمعیت کره زمین راه حل جمعیت بیش از حد اعلام شده است و شعار معروف کلیسا "خود را بکش، زمین را نجات بده" است. ایدئولوژی کلیسا بر فرمانی متشکل از ۴ ستون اصلی بنا شده است. این ۴ ستون عبارتند از: خودکشی، سقط جنین، آدم‌خواری (برای جلوگیری از کشتن حیوانات) و اقدامات جنسی غیر تولدزا اعم از هم‌جنس‌بازی. این کلیسا خود را تنها کلیسای ضد انسان در کره زمین می‌داند. کلیسا هر گونه عمل غیرداوطلبانه مانند قتل و عقیم‌سازی اجباری را ممنوع می‌داند.

موسسه سیاست‌گذاری زمین^{۱۱}

این موسسه از سال ۲۰۰۱ تأسیس شده و هدف آن مسائل محیط زیستی و ارائه راهکارهایی برای ایجاد ثبات پایدار در زمین در زمینه‌های اقتصادی و زیست محیطی است. موسسه انتشاراتی در باب جمعیت بیش از حد ساکن در زمین دارد. تشکیل اتاق فکرهای تخصصی از ابزارهای موسسه برای رسیدن به اهداف خود است.

موسسه اعداد آمریکا^{۱۲}

هدف این موسسه کاهش ورود مهاجران قانونی و غیرقانونی به آمریکا است. موسسه دارای توان مالی و نفوذ بالایی بوده و اعضای تأثیرگذاری دارد که بعضاً سابقه دهه‌ها مقابله با افزایش جمعیت را دارند.

موسسه بین‌المللی فعالیت جمعیتی^{۱۳}

موسسه‌ای بین‌المللی و غیردولتی است که هدف آن توسعه و گسترش دسترسی به برنامه‌های تنظیم خانواده و سلامت روش‌های پیشگیری از بارداری است. این موسسه توانسته است پروژه‌های ملی و بین‌المللی گسترده‌ای را انجام دهد.

موسسه ارتباط جمعیتی^{۱۴}

این موسسه با نام قبلی رشد جمعیت صفر^{۱۵} که از سال ۱۹۶۸ تأسیس شده است، با آگاهی‌رسانی و ایجاد کمپین‌ها سعی در گسترش برنامه‌های تنظیم خانواده و کاهش جمعیت دارد. توسعه آموزش، مبارزه با برخی قوانین ملی و بین‌المللی و نشریه معتبر این موسسه از فعالیتهای مهم آن است.

^{۱۰} Church of Euthanasia

^{۱۱} Earth Policy Institute

^{۱۲} Numbers USA

^{۱۳} Population Action International (PAI)

^{۱۴} Population Connection

^{۱۵} Zero Population Growth

موسسه شورای جمعیتی^{۱۶}

موسسه‌ای بین‌المللی، با سابقه (از ۱۹۵۲) و غیرانتفاعی است که در حوزه‌های سلامت، علوم اجتماعی و بیولوژی تحقیقات گسترده را انجام می‌دهد. ۳۰ درصد از این تحقیقات مربوط به بیماری ایدز است و مابقی شامل روش‌های پیشگیری از بارداری، سلامت جنسیتی و ... است. این موسسه دارای یک نشریه معتبر^{۱۷} است. دفتر اصلی موسسه در نیویورک است و در بسیاری از ایالت‌های آمریکا و کشورهای جهان شعبه دارد.

مرکز رسانه‌ای جمعیت^{۱۸}

این موسسه با ابزار رسانه و همکاری با سایر سازمانها در راستای هدف اصلی خود که شامل کاهش جمعیت زمین به حدی که با منابع آن تناسب داشته باشد، فعالیت می‌کند. توسعه تنظیم خانواده، برابری جنسیتی و کوچک‌سازی خانواده‌ها از شعارهای موسسه است. موسسه در بیش از ۴۰ کشور دنیا نیز پروژه داشته است.

اداره مرجع جمعیت^{۱۹}

این موسسه خصوصی قدیمی (از ۱۹۲۹) با ارائه آمارهای سالانه از شاخص‌های مختلف سلامت از آمریکا و بیش از ۲۰۰ کشور جهان دارای اعتبار بسیار بالایی است. موسسه پروژه‌های تنظیم خانواده متعددی را در سراسر جهان اعم از خاورمیانه و شمال آفریقا انجام داده است. مقر اصلی این موسسه در واشنگتن است.

موسسه دیده‌بان جهانی^{۲۰}

این موسسه از سال ۱۹۷۴ تأسیس شده و دغدغه‌های اصلی آن شامل محیط زیست و ایجاد توازن میان ظرفیتهای زمین و نیازهای بشر است. در راستای رسیدن به پایداری مدنظر، موسسه فعالیتهای مختلفی را در زمینه‌های فرهنگ، تنظیم خانواده و محیط زیست انجام می‌دهد.

۵-۱ ظهور طرح‌های افزایش نرخ باروری از سال ۲۰۱۷

افزایش شدید مهاجران و نوزادان اسپانیولی و آسیایی، انتخاب دونالد ترامپ و از همه مهمتر کاهش شدید نرخ باروری در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ (به دلیل کاهش چشمگیر بارداری‌های نوجوانان و بارداری‌های ناخواسته و تحصیل‌کرده شدن زنان) موجب تدوین چند طرح مهم که بصورت مستقیم و غیرمستقیم فرزندآوری را حمایت می‌کنند شده است.

^{۱۶} Population Council

^{۱۷} Population and Development Review

^{۱۸} Population Media Center

^{۱۹} Population Reference Bureau

^{۲۰} Worldwatch institute

تحلیل پروپوزال‌هایی که سیاستمداران و کارشناسان آمریکایی برای افزایش نرخ فرزندآوری ارائه داده‌اند، علاوه بر شناخت سیاست‌های محتمل آتی، معرف سقف خواسته برنامه‌ریزان این کشور می‌باشد. طبق بررسی انجام شده هیچ کدام از سیاست‌های بررسی شده هدف اصلی خود را شتاب دادن به فرزنددارشدن نمی‌داند، بلکه اهداف این سیاست‌ها در بیشتر موارد کاهش فقر کودکان و نهایتاً طراحی ساختاری برای پاداش‌دهی و حمایت از فرزندان خانواده‌ها ذکر شده است. این مسئله می‌تواند دغدغه اساسی نبودن افزایش نرخ باروری در آمریکا را نشان دهد و یا به دلیل فشارهای مخالفان افزایش نرخ باروری در آمریکا باشد.

در ادامه مهمترین طرح‌های مربوطه معرفی شده است.

۱-۵-۱ طرح افزایش چشمگیر اعتبار مالیات بر دستمزد

روخانا^{۲۱} از اعضای کنگره آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۷ طرحی برای افزایش اعتبار مالیاتی درآمد کسب شده (EITC)^{۲۲} خانواده‌های با درآمد کم تا متوسط دارای فرزند به کنگره پیشنهاد داده است. این اعتبار مبلغی است که از میزان مالیات سالانه فرد کسر می‌شود. این طرح هر چند افراد بدون فرزند را نیز پوشش می‌دهد، مشوق مناسبی برای فرزنددار شدن خانواده‌ها است. (Khanna, 2017)

نوع خانوار	حداکثر اعتبار مالیاتی (فعلی)	حداکثر اعتبار مالیاتی (پیشنهاد خان)
۳ یا بیش از سه فرزند	۶,۱۳۸ دلار	۱۲,۱۳۱ دلار
دو فرزند	۵,۶۱۶ دلار	۱۰,۷۸۳ دلار
یک فرزند	۳,۴۰۰ دلار	۶,۵۲۸ دلار
بدون فرزند	۵۱۰ دلار	۳,۰۰۰ دلار

۱-۵-۲ طرح افزایش اعتبار مالیاتی فرزندان

همچنین سناتور مارکو روبیو^{۲۳} پیشنهاد کاهش مالیات افراد حقوق‌بگیر را پیشنهاد داده است، برنامه مالیاتی سناتور روبیو از آنجایی که بخشی از مالیات توسط کارفرما تصویب می‌شود، به نوعی کارفرمایان را در جذب افراد دارای فرزند تشویق می‌کند و از تمایل کارفرمایان نسبت به جذب افراد مجرد و یا بدون فرزند، می‌کاهد.

^{۲۱} Ro Khanna (Congressman)

^{۲۲} Earned Income Tax Credit

۳-۵-۱ طرح افزایش اعتبار کودکان زیر ۶ سال و پرداخت ماهیانه

خانم رُزا دِلارو^{۲۴} در فوریه ۲۰۱۷ در طرحی که به کنگره ارائه داده است، ضمن پیشنهاد افزایش اعتبار مالیاتی خانواده‌های دارای فرزند، با استناد به قانون ۱۹۸۶ حمایت از فرزندان زیر ۶ سال و نتایج برخی تحقیقات اجتماعی و اقتصادی که در ادامه ارائه شده است، پیشنهاد افزایش اعتبار مالیاتی فرزندان^{۲۵} و حتی پرداخت ماهیانه به خانواده‌های دارای کودک زیر ۶ سال را داده است. نتایج تحقیقاتی که در طرح دلارو به آن‌ها استناد شده است:

۱. EITC (پیش از افزایش) نتایج خوبی داشته است و توانسته است $\frac{1}{8}$ کودکان فقیر را از فقر خارج نماید.

۲. افرادی که دارای فرزند کوچک هستند به دلیل درآمد پایین تر امکان استفاده کامل از اعتبارات مالیاتی را ندارند.

۳. سنین اولیه کودکان اهمیت بسیار بالاتری در رشد جسمی و روانی آنها دارد.

۴. سهم بالایی از تعداد فقیران آمریکا به نوزادان و کودکان اختصاص دارد.

۵. تمرکز والدین بر رسیدگی به فرزندان با افزایش دغدغه‌های درآمدی خانواده کاهش می‌یابد.

۶. اثر تورم بر اعتبار مالیاتی فرزند باعث کاهش اثربخشی آن شده است.

۴-۵-۱ طرح مرکز ترقی آمریکا^{۲۶}

این مرکز در آگوست ۲۰۱۵ پیشنهاد اختصاص پرداخت ماهیانه به خانواده‌های دارای کودکان زیر ۳ سال را داده است. این مرکز مدعی شده است هزینه‌ای که فقر کودکان به اقتصاد آمریکا وارد می‌کند سالانه معادل ۶۷۲ میلیارد دلار است. این مرکز مشکلات مغزی کودکان فقیر را بسیار مهم برشمرده و اختصاص تنها ۱,۲ درصد از تولید ناخالص ملی به حوزه کمک‌هزینه خانوار را در مقایسه با میانگین ۲,۶ درصدی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی ناکافی می‌داند. این مرکز اعتبار مالیاتی فرزندان را که تا سن ۱۷ سالگی فرزندان به خانواده تعلق می‌گیرد، لازم اما ناکافی برشمرده و آن را دارای محدودیت‌های ذیل دانسته است:

^{۲۳} Marco Rubio (Senator)

^{۲۴} Rosa De Lauro (Congresswoman)

^{۲۵} Child Tax Credit

^{۲۶} Center of American Progress

- تنها افراد شاغل می‌توانند از اعتبار مالیات بر درآمد استفاده کنند. این اعتبار به افراد بیکار یا شاغلی که حداقل دستمزد به آنها تعلق نمی‌گیرد، اختصاص نمی‌یابد.
 - از آنجایی که این اعتبار بصورت درصدی نیست و شامل رقم‌های ثابت است، هر سال که کنگره رقم آن را تجدید نکند، ارزش واقعی آن متأثر از تورم کاهش می‌یابد.
 - والدین باید تا زمان پرداخت مالیات صبر کنند، حال آنکه تأخیر در صرف هزینه‌های نوزادان و خردسالان عموماً خسران‌آفرین است.
- بدین منظور پیشنهادهای ذیل ارائه شده است:
- حذف شرط برخورداری از حداقل دستمزد برای استفاده از اعتبار مالیاتی فرزندان.
 - وابسته کردن میزان اعتبار به افزایش نرخ تورم.
 - افزایش ۱۲۵ دلاری اعتبار ماهیانه برای کودکان زیر ۳ سال و اختصاص آن بصورت ماهیانه به جای سال مالیاتی.

(Rachel West, 2015)

۵-۵-۱ طرح پژوهشگران دانشگاه مدیسون^{۲۷}

نهایتاً پژوهشگران دانشگاه ویسکانسین مدیسون پیشنهاد پرداخت مستقیم ماهیانه به والدین کودکان را داده‌اند. هدف از این پیشنهاد کاهش ۵۰ درصدی فقر شدید کودکان و کاهش ۴۰ درصدی فقر کودکان عنوان شده است. در صورت پرداخت ماهیانه ۲۵۰ دلار برای هر فرزند، این طرح کمتر از ۷۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. تأکید بر روی این طرح تا حدی است که پیشنهاد شده است در صورتی که این طرح جانشین اعتبار مالیاتی فرزندان شود، هیچ هزینه اضافی به دولت تحمیل نخواهد کرد. از خصوصیات طرح تکمیلی می‌توان به کاهش پرداختی با افزایش فرزندان یک خانواده، اختصاص مبلغ بیشتر به کودکان کم‌سرن‌تر و اختصاص آن به سراسر خانواده‌ها اشاره کرد. (Hildebrand, 2016)

^{۲۷} Wisconsin Madison

	نوع پیشنهاد	شرح کمک هزینه ماهانه	هزینه سالانه (دلار)
۱	حالت ساده پیشنهاد	۲۵۰ دلار برای هر فرزند	۹۰ میلیارد
۲	وابستگی به سن فرزندان	۳۰۰ دلار برای زیر ۶ سال و ۲۵۰ دلار برای ۶ الی ۱۷ سال	۱۰۸ میلیارد
۳	وابستگی به سن و تعداد فرزندان	مانند ردیف ۲ و کاهش مبلغ با افزایش فرزندان خانواده	۶۹ میلیارد

۶-۵-۱ تحلیل اثربخشی طرح‌های مهم

موسسه مطالعات خانواده^{۲۸} در آمریکا ضمن بررسی هزینه‌ها و اثربخشی هر یک از طرح‌های فوق، هزینه و اثربخشی روشهای اجرا شده در سایر کشورها را نیز در صورت اجرا در آمریکا برآورد نموده است.

پیشنهاد دهنده	پیشنهاد	اعتبار مالیاتی (معادل تطبیقی ماهانه)
سناتور مارکو روبیو	افزایش اعتبار مالیاتی فرزندان و قابل پرداخت شدن آن نسبت به حقوق دریافتی	۳۵۶ دلار
مرکز ترقی آمریکا	پرداخت ماهانه به (خانواده‌های دارای) کودک زیر ۳ سال	۳۷۵ دلار
نماینده کنگره رو خانا	افزایش اعتبار مالیات بر دستمزد	۴۸۸ دلار
پژوهشگران دانشگاه مدیسون	پرداخت به خانواده‌های دارای فرزند	۷۵۰ دلار
نماینده کنگره رزا دلارو	افزایش اعتبار مالیاتی و پرداخت ماهیانه به کودکان زیر ۶ سال	۹۰۰ دلار

مقایسه هزینه اجرای طرحهای مهم پیشنهادی

^{۲۸} Institute for Family Studies (IFS)

کشور	سیاست	هزینه تخمینی شتاب دادن نرخ باروری آمریکا به نرخ جایگزینی در کوتاه مدت (دلار)	بر طبق ۶ سال پرداخت ماهانه (دلار)	هزینه تخمینی رسیدن به نرخ جایگزینی و ماندن در آن	بر طبق ۶ سال پرداخت ماهانه (دلار)
استرالیا	یک بار پرداخت بازای فرزند	۵۴,۱۱۷,۹۶۱,۹۵۷	۱۸۸		
اتحادیه اروپا	سیاستهای مختلف			۳۲۵,۵۰۶,۴۶۱,۱۰۳	۱,۱۳۴
فرانسه	مستمری ماهیانه عمومی فرزندان	۱۵۹,۰۱۲,۱۹۹,۴۴۰	۵۵۴		
آلمان	مستمری بارداری نسبت به درآمد	۸۴,۵۲۲,۵۵۰,۶۳۷	۲۹۴	۱۷۳,۹۱۴,۷۱۳,۲۴۵	۶۰۶
رژیم صهیونیستی	مستمری ماهیانه عمومی فرزندان	۳۳۲,۶۶۹,۹۶۸,۰۰۶	۱,۱۵۸	۹۴۰,۶۵۳,۰۱۲,۹۸۲	۳,۲۷۶
انگلیس	کمک هزینه عمومی و اعتبار مالیاتی شاغلان دارای فرزند	۸۵,۷۹۳,۷۷۰,۳۹۲	۲۹۹		
میانگین کل		۱۴۳,۲۲۳,۲۹۰,۰۶۶	۴۹۹	۴۸۰,۰۲۴,۷۲۹,۱۱۰	۱,۶۷۲

بررسی هزینه اجرای سیاستهای موفق سایر کشورها در آمریکا

● Low Estimate ● Central Estimate ● High Estimate



نمودار ۹- مقایسه میزان باروری پیش‌بینی شده در صورت اجرای هر طرح (خوشبینانه، بدبینانه و محتمل)

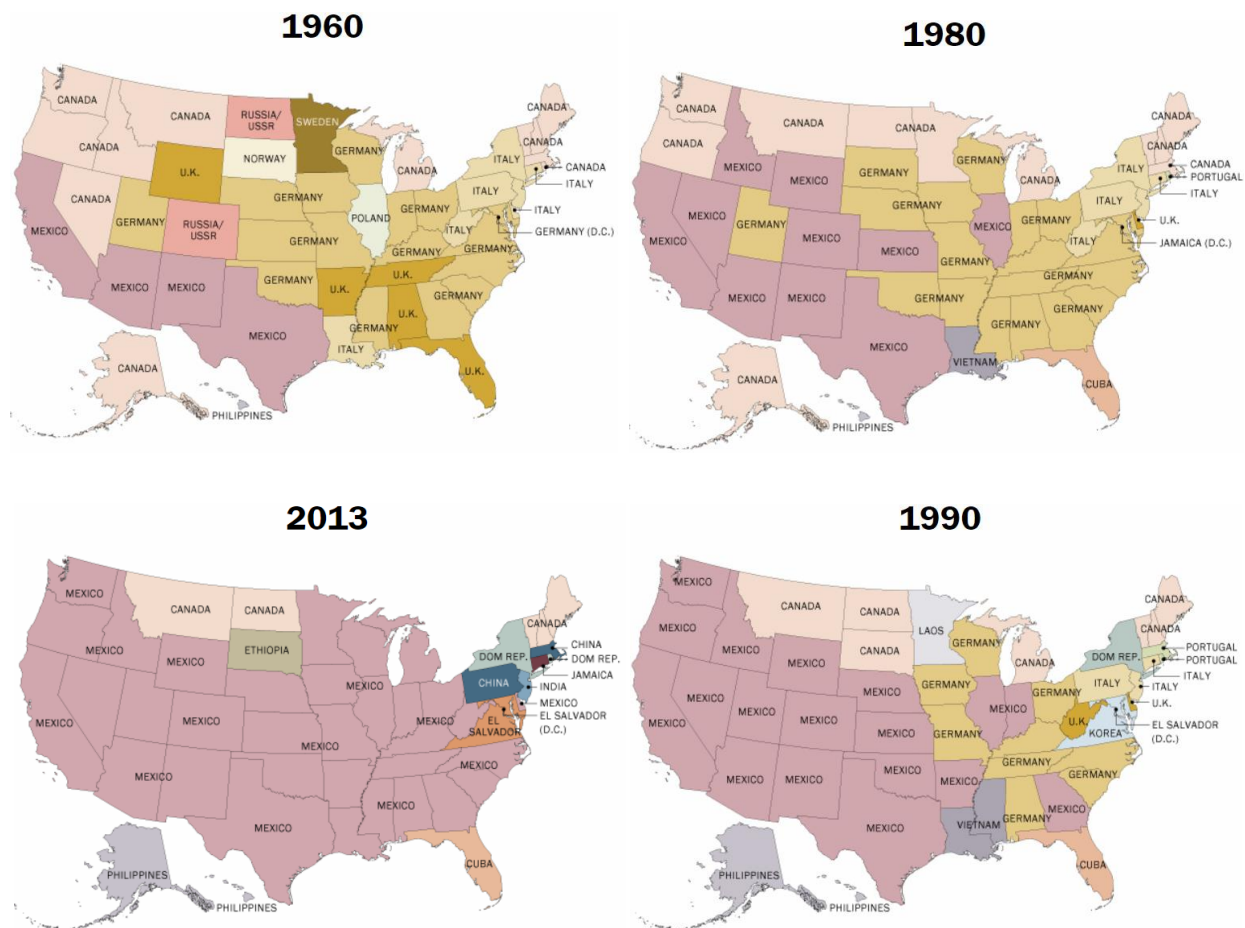
۲. بخش دوم: سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده آمریکا

کشور آمریکا از ابتدا یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای جهان بوده است. این کشور همواره کمبود جمعیت و نرخ باروری خود را با پذیرش مهاجران پوشش داده است. ویژگی مهم سیاست‌های مهاجرتی آمریکا اقتصادی بودن آن است. کنگره آمریکا در برهه‌های زمانی مختلف با توجه به شرایط اقتصادی وقت و همچنین نرخ باروری، نیاز به نیروی کار و شرایط متقاضیان مهاجرت به آمریکا قوانین را بازبینی و اصلاح کرده است.



نمودار ۱۰- روند تغییرات سهم مهاجران در میزان باروری جمعیت آمریکا (درصد)

از پس از پایان جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، مهاجران و پناهندگان آمریکایی شامل ملیت‌های مختلف اروپایی، آسیایی، کانادایی و آمریکای لاتین بودند. از این زمان به بعد و با افزایش رفاه کشورهای اروپایی از مهاجران این کشورها کاسته شده و به مهاجران کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای کمونیستی اضافه شده است. در سالهای اخیر با برچیده شدن نظام‌های کمونیستی، مبداء بخش اعظم مهاجران قانونی و غیرقانونی کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین است که به یکی از دغدغه‌های مهم دولتهای آمریکا تبدیل شده است.



شکل ۱۱- مبدا بیشترین مهاجران به آمریکا در سالهای مختلف

۲-۱ اهم مقررات مهاجرتی از زمان تشکیل کشور آمریکا

در زیر سیاست‌ها و مصوبات ایالات متحده آمریکا از سال ۱۷۹۰ تا کنون ارائه شده است.

سال ۱۷۹۰: اولین سند اعطای شهرونتی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۰ مقرر شد. این سند قانونی، یکنواخت در مورد الزامات مورد نیاز برای متقاضیان اقامت در آمریکا بوجود آورد.

سال ۱۸۱۹: کنگره آمریکا اولین سند فدرال در مورد مهاجرت را مصوب کرد. در این سند مصوب شد آمار مهاجرت‌ها به دولت مرکزی گزارش داده شود. همچنین با توجه به شرایط آن زمان مقرر شد افرادی که به مقاصد مختلف از آمریکا به اروپا سفر می‌کنند ملزومات مورد نیاز خود را به همراه داشته باشند.

سال ۱۸۶۴: کنگره کنترل و نظارت کمیسیون دولت مرکزی بر مهاجرت‌ها را تصویب و مقرراتی برای ورود نیروی کار قراردادی به کشور وضع کرد.

سال ۱۸۷۵: سازماندهی مستقیم مقررات مهاجرت توسط دولت مرکزی با تصویب قانونی که ورود مجرمان (محکومان) و روسپی‌ها به آمریکا ممنوع شد.

سال ۱۸۸۲: در این سال قانون جلوگیری از مهاجرت چینی‌ها مصوب شد و همچنین ورود متخلفان سیاسی، مجنونان، و افرادی که احتمال دارد به بودجه عمومی هزینه وارد کنند ممنوع شد و برای هر مهاجر برای ورود به کشور پرداخت هزینه تعیین گردید.

سال ۱۸۸۵: ورود کارگران قراردادی به آمریکا ممنوع شد.

سال ۱۸۸۸: قانون اخراج بیگانگان و مهاجران غیرقانونی مصوب شد.

سال ۱۸۹۱: تأسیس اداره مهاجرت ذیل وزارت خزانه‌داری به منظور ایجاد نظارت فدرال به قوانین مصوب مهاجرتی (به غیر از قانون مهاجرت چینی‌ها)

سال ۱۹۰۳: قانون مهاجرت تقویت و یکپارچه شد و چندهمسران و تندروهای سیاسی هم به لیست ممنوعیت مهاجرت اضافه شدند.

سال ۱۹۰۶: زبان انگلیسی بعنوان یکی از الزامات پایه برای شهروند شدن در آمریکا در آیین نامه مصوب گنجانده شد.

سال ۱۹۰۷: مهاجران ژاپنی محدود شدند، مالیات ورودی افزایش یافت و ورود افراد دارای مشکلات پزشکی جسمی و روانی و کودکان بدون والدین نیز به آمریکا ممنوع شد.

سال ۱۹۱۷: افراد دیگری شامل بی‌سوادان، افراد دارای اختلالات روانپزشکی، افرادی که با نیت بد به آمریکا مهاجرت می‌کنند، الکلی‌ها، بی‌خانمان‌ها و ... به لیست ممنوع‌الورودها اضافه شدند.

سال ۱۹۲۱: تصویب اولین محدودیت عددی. این قانون سهمیه‌های سالانه موقتی را برای ملیت‌های مختلف تصویب کرد.

سال ۱۹۲۴: گشت‌های حفاظت از مرزها تعیین و قانون سهمیه بندی موقت محکم‌تر شد.

سال ۱۹۲۹: قانون سهمیه بندی ۱۹۲۴ دائمی شد.

سال ۱۹۴۳: به کشاورزان مکزیکی که برای کار موقت به جنوب آمریکا می‌رفتند، براسرو (Bracero) گفته می‌شود. در این سال ورود کشاورزان به شمال، جنوب و مرکز آمریکا توسط برنامه ای به نام براسرو قانونی شد و قانون ممنوعیت ورود چینی‌ها لغو شد.

سال ۱۹۴۶: بسیاری از سربازان آمریکایی حاضر در اروپا در جنگ جهانی دوم حین اقامت خود در اروپا با افراد اروپایی ازدواج کردند. از این‌رو فرایندی برای تسهیل مهاجرت همسران (زن یا شوهر) و فرزندان نیروهای نظامی آمریکا در جنگ جهانی دوم به نام عروسان جنگ تصویب شد.

سال ۱۹۴۸: تصویب اولین مصوبه های پناهندگی؛ اولین سیاست‌گذاری ایالات متحده برای قبول افرادی که بدلیل آزار و اذیت فرار کرده باشند تصویب شد. به موجب این مصوبه مجوز پذیرش ۲۰۵ هزار پناهجو طی دو سال صادر شد و سپس به ۴۱۵ هزار افزایش یافت.

سال ۱۹۵۰: ورود کمونیست‌ها ممنوع و لیست ممنوعیت مهاجرت گسترش یافت، افرادی که در آمریکا حضور داشتند و مهاجرتشان تأیید نشده بود ملزم شدند سالانه آدرس خود را گزارش دهند.

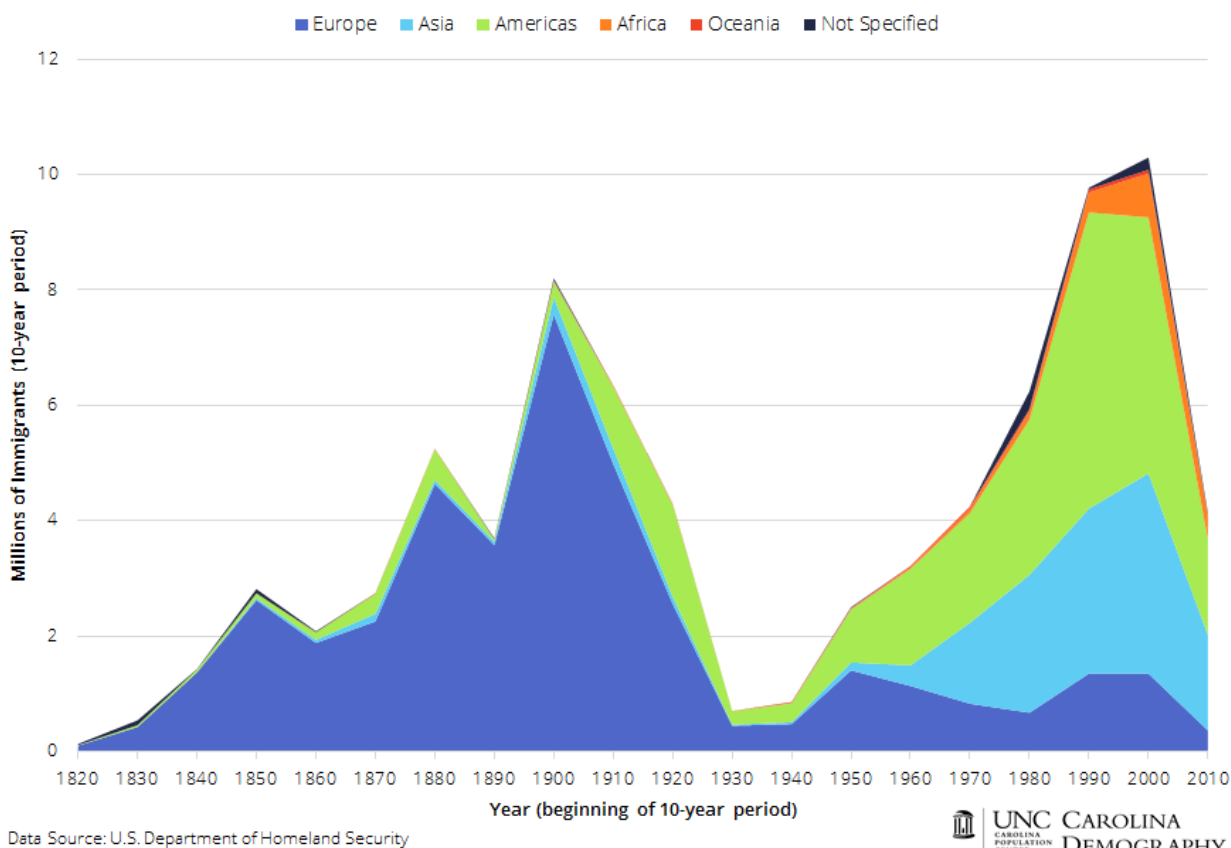
سال ۱۹۵۲: قانون جامع ملیت و مهاجرت در این سال بعنوان قانونی فراگیر که دربرگیرنده قوانین و دستورالعمل‌های قبلی بود تصویب شد. این قانون در برگیرنده سیستم سهمیه بندی بر اساس ملیت- محدود کردن نیمکره شرقی زمین و نامحدود بودن نیمکره غربی- وضع امتیازاتی برای کارگران با مهارت، اقوام شهروندان آمریکایی و افرادی که مدام در آمریکا حضور داشته اند - و سخت تر کردن استانداردها و امنیت فرآیندهای مهاجرت بود.

سال ۱۹۵۳: پس از آن که قوانین سال ۱۹۴۸ منقضی شدند، قانون آزاد سازی پناهندگی که به نام قانون ویژه مهاجرت هم شناخته می‌شود توسط کنگره هشتاد و سوم آمریکا تصویب شد. به موجب این قانون میزان پذیرش پناهندگان سالانه به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسید.

در این دهه، بیشترین ورود مهاجران اروپایی به آمریکا صورت پذیرفت. ایتالیا، آلمان، یوگوسلاوی و یونان به ترتیب مبداء بیشترین پناهندگان به آمریکا بودند. بسیاری از این پناهندگان به دلیل مشکلات اقتصادی برای متحدین جنگ جهانی دوم (آلمان، ایتالیا و ژاپن) از کشور خارج شده و یا افراد متواری شده از کشورهای کمونیستی بودند. آیزنهاور در نامه معروفی که به همراه قانونی کردن

ورود پناهندگان نوشت، کمک به پناهندگی این افراد را بخشی از تعهد آمریکا برای ایجاد جهانی آزاد نامید. تعداد بالای پناهندگان از کشورهای کمونیستی شامل ۳۸ هزار مجارستانی و پناهندگانی از کشورهای شوروی، ژاپن، چین، یوگوسلاوی و ... موجب تقویت وجهه آمریکا در جنگ سرد شد. پس از سقوط دولت باتیستا در کوبا، حدود ۷۰۰ هزار کوبایی از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۰ وارد آمریکا شدند.

سال ۱۹۶۵: قانون هارت سلار^{۲۹}، سیستم سهمیه‌بندی ملیتی برای پذیرش مهاجرت را فسخ کرد ولی در مورد پناهندگان سقف موجود ۱۷۰ هزار نفر برای نیمکره شرقی (۲۰ هزار نفر برای هر کشور) و ۱۲۰ هزار نفر برای نیمکره غربی را حفظ کرد. همچنین سیستم قبلی شامل هفت بند اصلی برای اولویت بندی پذیرش مهاجران را حفظ کرد. پس از این قانون میزان مهاجرت از کشورهای شرق آسیا به آمریکا افزایش یافت و موجب تغییرات نژادی گسترده در این کشور و افزایش جمعیت اتباع آسیایی شد.



نمودار ۱۲- سهم قاره‌های مختلف در مهاجران آمریکا در دهه‌های مختلف از ۱۸۲۰ تا ۲۰۱۳

^{۲۹} Hart-Cellar

سال ۱۹۷۶: در این سال با توجه به افزایش تقاضای پناهندگی به آمریکا محدودیت ۲۰ هزار نفری پناهندگان (برای هر کشور) که برای کشورهای شرقی اعمال می‌شد، در مورد کشورهای غربی هم اعمال شد.

سال ۱۹۷۸: پس از جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵، در بازه‌ای ۵ ساله حدود ۴۰۰ هزار پناهنده هندوچینی به آمریکا وارد شدند. در سال ۱۹۷۸ در قانونی کنگره سهمیه جداگانه نیمکره شرقی و غربی را به یک سهمیه ۲۹۰ هزارنفری برای کل جهان تغییر داد.

سال ۱۹۸۰: در دو دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میزان ورود افراد به آمریکا بیش از آن که از طریق دستورالعمل‌های مهاجرتی باشد، از طرق قانونی (پناهندگی) و غیرقانونی دیگر انجام می‌شد. از این رو قوانینی برای محدود کردن این نوع ورودها به کشور تصویب شد. بعنوان مثال در سال ۱۹۸۰ قانون سیستم اولویت بندی قبلی تبدیل به سیستمی روشن‌تر شد و شاخص‌هایی برای عدم پذیرش مهاجران تعیین شد. در این سال سقف پذیرش مهاجران از ۲۹۰ هزار به ۲۷۰ هزار نفر کاهش یافت.

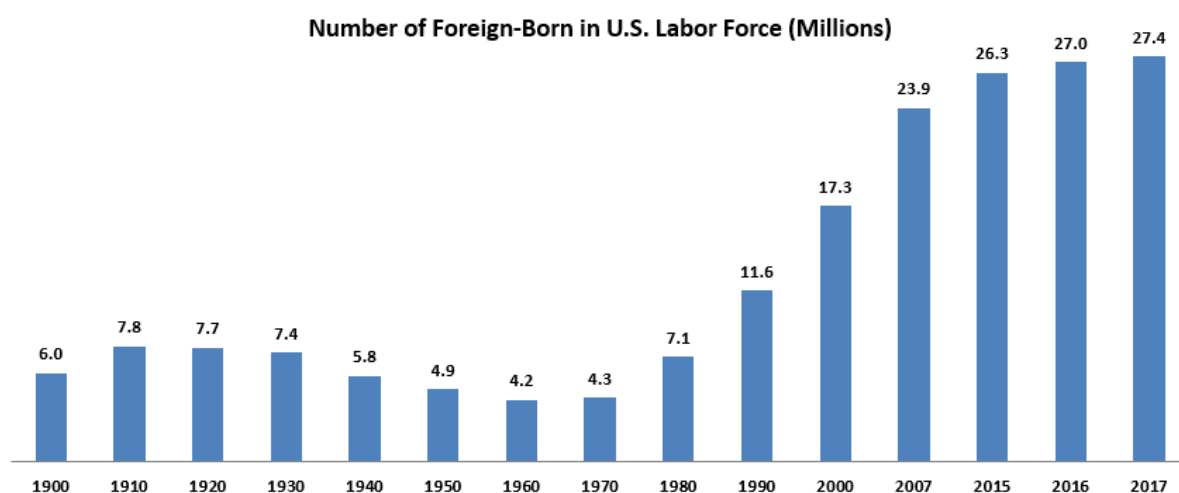
در سال ۱۹۸۱ رئیس کنگره تئودور هزبرگ در نطقی اذعان کرد: "بهتر است درب پشتی را ببندیم و درب جلوی خانه را باز کنیم. و به جای تعداد بالای مهاجران غیرقانونی، مهاجرانی کمتر، اما مسئولیت پذیر و طبق برنامه‌های خودمان وارد کشور کنیم."

سال ۱۹۸۶: پس از محدودیت‌های اعمال شده در سال ۱۹۸۰، حدود ۱۲۵ هزار کوبایی وارد فلوریدا شدند و تعداد کمتری از اتباع هائیتی نیز از همین طریق وارد شدند. تا سال ۱۹۸۴ تلاش ویژه‌ای در این مورد انجام شد تا اینکه ریگان تلاش کرد با توجه به قوانین ابتدای دهه ۱۹۶۰ مانند سهمیه بندی ملیتی عمل کند که بازهم موفق نبود و نهایتاً منجر به قانون اصلاح و نظارت بر مهاجرت در سال ۱۹۸۶ شد. این قانون جامع شامل موارد ذیل است:

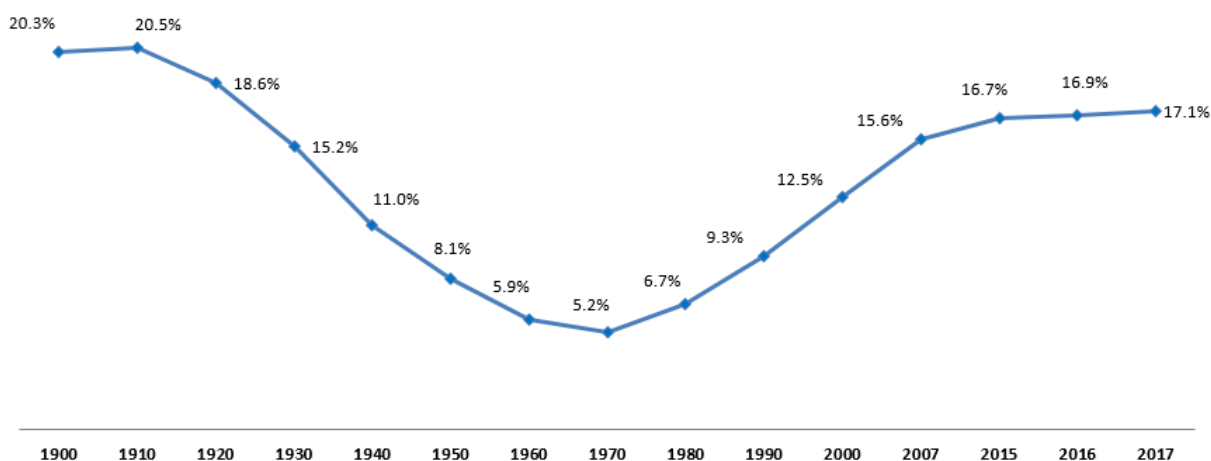
- قانونی شدن [شهروندی] افرادی که از سال ۱۹۸۲ در آمریکا زندگی کرده‌اند.
- وضع تحریم‌هایی برای کارفرمایانی که افراد فاقد مجوز کار در آمریکا را بکار بگیرند.
- نظم دادن به قانونی سازی حضور کارگران فصلی بخش کشاورزی
- تشکیل برنامه آزمایشی ورود بدون ویزا به آمریکا بدون قصد مهاجرت. از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹، به ترتیب اتباع کشورهای انگلیس، ژاپن، فرانسه ایتالیا، هلند، سوئد، سوئیس و آلمان غربی نخستین کشورهایی بودند که وارد لیست شدند. در حال حاضر اتباع حدود ۴۰ کشور دارای شاخص توسعه انسانی بالا می‌توانند بدون اخذ ویزا با مقاصد گردشگری، تجارت و غیره حداکثر ۹۰ روز در آمریکا اقامت داشته باشند.

سال ۱۹۸۹: اقامت موقت پرستارانی که بیش از سه سال در آمریکا کار کرده بودند و گواهینامه‌های ملی را اخذ نموده بودند با پرداخت هزینه‌های مربوطه تبدیل به اقامت دائمی شد.

سال ۱۹۹۰: تولد سیستم فعلی «قانون جامع مهاجرت»: قانون جامع سال ۱۹۹۰ که در ماه نوامبر به امضای جرج بوش پدر رسید، شامل افزایش سقف مهاجرت‌های کاری، خانوادگی و ... شده و امنیت مرزها جهت جلوگیری از ورود غیرقانونی را افزایش داد. اکثر قوانین مهاجرتی از این تاریخ به بعد در کلیات خود شباهت‌های زیادی با این قانون دارند. این قانون موجب افزایش سهم متولدان سایر کشورها در نیروی کار آمریکا به بیشترین میزان خود در ابتدای قرن ۲۰ شد.



نمودار ۱۳- تعداد متولدان سایر کشورها در نیروی کار آمریکا از سال ۱۹۰۰



نمودار ۱۴- سهم (درصد) متولدین سایر کشورها در نیروی کار آمریکا از سال ۱۹۰۰

برخی از موارد موجود در این قانون عبارتند از:

- افزایش مجوز مهاجرت‌های ورودی سالانه به ۶۷۵ هزار نفر از ابتدای سال ۱۹۹۵
 - اصلاح کامل کلیه قوانینی که از گذشته تصویب شده بود. این اصلاحات شامل تعریف و طبقه بندی جدید ویزاها شامل ویزاهای منحصر به دانشجویان، پرستاران، ورزشکاران، هنرمندان و ... کیفیت و کمیت حفاظت از مرزها و ... بود.
 - به دادستانی ایالت‌ها اختیار داده شد که اقامت افراد بومی که فاقد مدرک هستند را بصورت موقت قانونی کند.
- این توضیح لازم به ذکر است که از این تاریخ به بعد سیاستها عموماً دربرگیرنده مسائل حقوقی مربوط به جلوگیری از ورود غیرقانونی است. یکی از معضلاتی که از این تاریخ به تدریج تشدید می‌شود ورود غیرقانونی اتباع مکزیکی و کشورهای آمریکای جنوبی از مرزهای جنوبی آمریکا است.

سال ۱۹۹۶: قانون اصلاح مهاجرت‌های غیرقانونی^{۳۰}

این قانون بر اساس پیشنهادهای کمیسیون سازماندهی مهاجرت که توسط بیل کلینتون تأسیس شده بود، در سال ۱۹۹۶ به تصویب کنگره رسید. این قانون نیز سخت‌گیری‌هایی بر مهاجران غیرقانونی مقیم در آمریکا اعمال نمود. به عنوان مثال به موجب این قانون افرادی که هنگام دستگیری ۶ ماه الی یک سال از حضور غیرقانونی آنها در آمریکا گذشته باشد، به مدت سه سال اجازه ورود به آمریکا را نداشته و این عدد برای افرادی که بیش از یک سال از اقامت غیرقانونی آنها در آمریکا گذشته باشد به ۱۰ سال رسید. همچنین پیش از این قانون، مهاجران غیرقانونی تنها در صورت انجام عمل مجرمانه شدید، پیش از اخراج حداقل ۵ سال زندانی می‌شدند. به موجب این قانون برای مهاجران غیرقانونی که مرتکب جرایم خفیف مانند کیف‌قاپی نیز شده باشند بسته به نوع جرم از شش ماه تا دو سال زندان در نظر گرفته شد.

سال ۱۹۹۸: قانون ارتقاء بخشی به نیروی کار و فضای رقابتی کار در آمریکا^{۳۱}

این قانون با هدف افزایش سخت‌گیری‌های ویزای کار، ضمن افزایش سقف ویزای کار از نوع ^{۳۲}چ یک بی، بر روی هزینه‌های اولیه و جریمه‌های تخطی از آن تجدید نظر کرد و آن‌ها را افزایش داد.

^{۳۰} Illegal Immigration Reform and Immigrant Responsibility Act

^{۳۱} American Competitiveness and Workforce Improvement Act

سال ۱۹۹۸: قانون اتباع نیکاراگوئه و آمریکای مرکزی^{۳۳}

به موجب این قانون که به امضای کلینتون رسید، به اتباع نیکاراگوئه، کوبا، السالوادور، گواتمالا و ملیت‌های کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق اقامت دائم (گرین کارت) اعطا شد.

سال ۲۰۰۰: قانون اتباع هائیتی^{۳۴}

این قانون که در دسامبر سال ۲۰۰۰ به تصویب کنگره رسید، به پناهندگان هائیتی که قبلاً در سال ۱۹۹۵ گزینش شده بودند، اجازه اقامت در آمریکا را اعطا نمود.

سال ۲۰۰۰: قانون رقابتی سازی آمریکا در قرن ۲۱^{۳۵}

این قانون در ابتدای قرن ۲۱ با محوریت تسهیل مهاجرت و کار در آمریکا تصویب شد. این قانون اخذ ویزای کار را تسهیل نمود. بعنوان مثال دامنه ویزای کار H1-B که صرفاً برای کارمندان کارفرماهای آمریکایی بود، به مشاغل دیگر گسترش یافت و سقف سالانه تعداد اعطای این ویزا نیز برداشته شد. این قانون زمینه ورود مهاجرانی که امکان راه اندازی کسب و کار در آمریکا را داشتند را ایجاد کرد.

سال ۲۰۰۲: قانون امنیت داخلی^{۳۶}

این قانون متأثر از حوادث ۱۱ سپتامبر به تصویب رسید. به موجب این قانون وزارتخانه امنیت داخلی^{۳۷} تشکیل شد و مواردی اعم از پیشگیری از بحران‌های ناشی از مسائل مرزی ورود تروریست‌ها به کشور، مهاجرت و گمرکات و تهدیدهای سایبری و اختیار صدور حکم (مانند دادگاه) و برخی مسائل حقوقی دیگر به این وزارتخانه سپرده شد.

^{۳۲} H1B نوعی ویزای کار سه ساله است که قابلیت ۳ سال تمدید دیگر را هم دارد و می‌تواند به گرین کارت منجر شود. این ویزا دارای متقاضیان زیادی است که قصد مهاجرت به آمریکا را دارند.

^{۳۳} Nicaraguan Adjustment and Central American Relief Act (NACARA)

^{۳۴} Haitian Refugee Immigration Fairness Act (HRIFA)

^{۳۵} American Competitiveness in the 21st Century (AC21)

^{۳۶} Homeland Security Act

^{۳۷} Department of homeland security (DHS)

این وزارتخانه در سال ۲۰۰۲ تشکیل و بعد از وزارت دفاع و وزارت امور کهنه‌سربازان، سومین وزارتخانه بزرگ کابینه آمریکا است و بودجه سالانه آن برابر با ۴۰ میلیارد دلار بوده و ۲۲۹ هزار کارمند دارد. اکثر سازمانهای حقوقی و امنیتی مرتبط با مرز و گمرک، گارد ساحلی، مهاجرت، اقامت و ... ذیل این وزارتخانه قرار دارند.

سال ۲۰۰۴: قانون اصلاح ویزای کار L1^{۳۸}

به موجب این قانون جریمه‌های جدیدی برای شرکتهایی که از شرایط ویزای L-1 سوء استفاده کنند تصویب شد. ویزای L-1 تنها به شرکتهای بین‌المللی آمریکایی که در خارج از آمریکا هم دارای دفتر باشند تعلق می‌گیرد. هر چند این ویزا به مهاجرت مربوط نمی‌شود، با این وجود ابزار مناسبی برای مهاجرت متقاضیان به آمریکا است. حداقل مدت این ویزا برای ایرانیان و به مدت ۳ ماه است و حداکثر آن ۵ سال و برای اتباع آلمان، ژاپن و هند می‌باشد. ویزای L-1 قابل تمدید است و تا ۷ سال امکان تمدید دارد.

سال ۲۰۰۴: قانون اصلاح ویزای دانشجویی H1B^{۳۹}

افزایش ۲۰ هزار ویزای دانشجویی برای دانشجویانی که دوره کارشناسی ارشدشان را در آمریکا گذرانده باشند. لازم به ذکر است مدت ویزاهای دانشجویی معمولاً وابسته به مدت زمانی است که مرکز آموزشی مربوطه اعلام می‌کند و برای دوره دکتری تا شش ساله می‌باشد. قانون فوق افزایش مدت زمان حضور در آمریکا و زمینه اخذ اقامت دائم افرادی که در دوره کارشناسی یا ارشد در دانشگاه‌های آمریکایی فارغ‌التحصیل شده باشند را تسهیل نمود.

سال ۲۰۰۵: قانون مدارک شناسایی^{۴۰}

از آنجایی که بسیاری از مدارک هویتی و گواهینامه رانندگی توسط ایالتها صادر می‌شوند، این قانون برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها و جعل این مدارک به منظور مقابله با تروریسم و افزایش کنترل مهاجران، استانداردهای فدرالی را برای مدارک هویتی اعم از کارت شناسایی، گواهینامه رانندگی و مدارک مهاجرتی وضع کرد.

سال ۲۰۰۶: قانون دیوار امنیتی

^{۳۸} L-1 Visa Reform Act of 2004

^{۳۹} H-1B Visa Reform Act of 2004

^{۴۰} REAL ID Act

قانون دیوار امنیتی مجوز ساخت دیوار مرزی در محل مرز آمریکا و مکزیک را صادر کرد. یکی از قول‌های ترامپ در رقابت انتخاباتی سال ۲۰۱۶ اجرای این قانون بود.

دونالد ترامپ بیشتر با گفتمان مقابله با مهاجران غیرقانونی در انتخابات سال ۲۰۱۶ وارد صحنه شد. وی در سال ۲۰۱۲ شکست رامنمی را به دلیل مخالفت او با مهاجرت قانونی و از دست دادن رای لاتین‌ها و آسیایی‌ها دانسته بود. از این رو ترامپ با موضع نرم‌تری به انتقاد از افزایش مهاجرت به آمریکا پرداخت و بیشتر نگرانی‌هایی پیرامون کمبود شغل مطرح کرد. وی توانست ضمن برخورداری نسبی از رای مهاجران، رای آنگلو ساکسون‌ها را به طور قاطع‌تری بدست بیاورد.

سال ۲۰۰۷:

پیشنهاد قانون جامع اصلاح مهاجرت در اواخر دور دوم ریاست جمهوری جرج بوش: این قانون با آنکه به دلیل مخالفت جدی در همه جناح‌های سیاسی نتوانست تصویب شود، بدلیل تأثیرگذاری بر مصوبات سالهای آتی بعنوان یک پیشنهاد ماندگار برای حل مشکل مهاجران غیرقانونی ثبت شد. هدف از تصویب این قانون تلاش برای تعیین تکلیف حدود ۱۲ میلیون مهاجر غیرقانونی مقیم در آمریکا بود. این قانون میزان نیروهای انسانی، موانع و برج‌های کنترل مرز را افزایش می‌داد. همچنین این قانون ویزایی دو ساله به نام Y برای کارکنان موقت و ویزایی دیگر به نام Z برای قانونی شدن اقامت کسانی که بصورت غیرقانونی به آمریکا وارد شده باشند پیشنهاد داد. دارندگان این ویزا پس از ۸ سال و در صورت پرداخت جریمه ۲۰۰۰ دلاری و مالیات بر فعالیت‌هایی که انجام داده اند می‌توانستند دارای اقامت دائم در آمریکا شده و ۵ سال پس از آن شهروند آمریکا شوند. راه ساده‌تری که برای مهاجران غیرقانونی پیشنهاد شده بود مربوط به دریافت اقامت دائم افرادی می‌شد که قبل از ۱۶ سالگی وارد آمریکا شده باشند و توانسته باشند در دانشگاه قبول شده یا وارد ارتش شوند. جرج بوش عدم تصویب این طرح در کنگره را مأیوس‌کننده نامید.

۲-۲ دولت باراک اوباما:

در اوایل دولت باراک اوباما گفتمان وسیعی پیرامون جمعیت ۱۲ میلیونی مهاجران غیرقانونی که عمدتاً از مرز مکزیک وارد آمریکا شده بودند وجود داشت. آمار بالای جرم در این قشر، بارداری نوجوانان، تولد کودکان فقیر و آسیب‌های اجتماعی مختلف موجب وارد شدن فشارهای رسانه‌ای زیادی به دولت اوباما شد. اوباما با تمهیداتی توانست نرخ رشد بی‌رویه مهاجران غیرقانونی را نسبت به سال قبل از خود (۲۰۰۷) ثابت نگه دارد. این تمهیدات عبارتند از:

- افزایش امنیت مرزها: همکاری با سایر کشورها در راستای عدم خروج مهاجران غیر قانونی، افزایش مأموران مرزی و مرکزیت بخشی به فرماندهی مرزی از جمله اقداماتی است که موجب شد بسیاری از مهاجران غیرقانونی موفق به ورود به آمریکا نشوند.



- افزایش دیپورت: اخراج فوری افرادی که قصد ورود غیرقانونی از مرزهای زمینی به آمریکا را داشتند و همچنین بررسی دقیق تر پرونده افرادی که بصورت قانونی اقدام به ورود به آمریکا را داشتند؛ حتی افرادی که برای دیدار اعضای خانواده قصد ورود به آمریکا را داشتند. هر گونه سوء سابقه یا سابقه‌ای که جزء موارد تهدید احتمالی تلقی شود موجب دیپورت فرد می‌شد. میزان دیپورت در دولت اوباما بسیار بالا و دو برابر میزان فعلی آن بوده است.
- بررسی سوابق و مالیات‌ها: دو برنامه داپا^{۴۱} و داسا^{۴۲} به دو طیف مهم شامل افرادی که در کودکی غیرقانونی به آمریکا وارد شده باشند و والدینی که خود غیرقانونی در آمریکا اقامت دارند اما فرزندشان آمریکایی یا دارای اقامت دائم در آمریکا باشد مربوط می‌شود. به موجب این دو برنامه افراد مذکور امکان دریافت اجازه کار پیدا کردند. تخفیف داده شده به این دو طیف، موجب اقبال کارفرمایان به این افراد و سخت تر شدن اقامت سایر مهاجران غیرقانونی شد. هدف از این برنامه‌ها غربال کردن مهاجران غیرقانونی برای نیروی کار آمریکا و ترغیب سایر مهاجران غیرقانونی به خروج از کشور بود.

^{۴۱} DAPA (Deferred Action for Parents of Americans and Lawful Permanent Residents)

^{۴۲} DACA (Deferred Action for Childhood Arrivals)

۳-۲ دولت دونالد ترامپ:

میزان دیپورت شدن پناهندگان و مهاجران غیرقانونی در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۲۰۱۰ حدوداً نصف شده است. این مسئله به کاهش نیروهای مرزی یا سهولت ورود به آمریکا مربوط نمی‌شود. بنا به نوشته بلومبرگ ارتباط و تأثیرپذیری اوباما از افراد ضد مهاجرت در آمریکا یکی از دلایل اصلی سخت‌گیری‌های زمان اوباما است. از طرفی سیاست ترامپ بیش از آنکه مبتنی بر دیپورت باشد، مبتنی بر سخت‌گیری بر پناهندگان و مهاجران غیرقانونی در صورت انجام کوچکترین تخلف از قانون است که خودبه‌خود موجب ایجاد هراس و کاهش اقدام به مهاجرت غیرقانونی از مرزهای جنوبی شده است. یکی دیگر از اهداف ترامپ کارفرمایان آمریکایی است که در صورت استخدام مهاجران غیرقانونی مشمول جرایم سخت‌گیرانه‌ای می‌شوند. همچنین طبق قانون رایز^{۴۳} که در اگوست سال ۲۰۱۷ به تصویب کنگره رسید، تعداد سالانه گرین کارت‌ها به نصف تقلیل یافت و سقف مجاز پناهندگان نیز به سالانه ۵۰ هزار نفر کاهش یافت.

قانون کیت^{۴۴}: در سال ۲۰۱۵ یک دختر آمریکایی توسط یکی از مهاجران غیرقانونی کشته شد. این مهاجر غیرقانونی بارها محکوم و ۵ بار از کشور اخراج شده بود. ترامپ در مبارزات انتخاباتی قول داد از کنگره بخواهد قانونی به نام این دختر برای سخت‌گیری در مورد اخراج شدگانی که مجدد به صورت غیرقانونی به آمریکا وارد شوند تصویب کند و این کار را انجام داد.

۴-۲ اهمیت تغییرات نژادی در جمعیت آمریکا

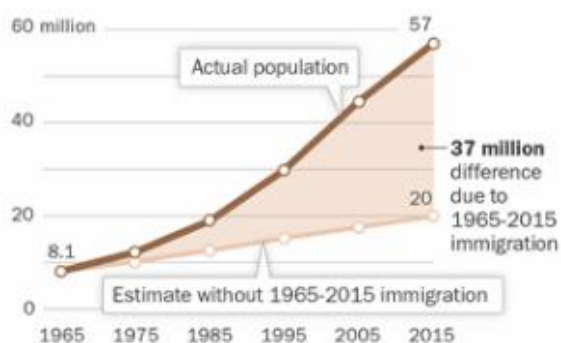
در ابتدای قرن بیست و یکم، معدود خانواده‌های پرجمعیت سفیدپوستی در آمریکا دیده می‌شود. یک نمونه مهم جنبش کیورفول^{۴۵} است که پس از برنامه‌های تنظیم خانواده اواخر دهه ۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی توسط مسیحیان محافظه کار شکل گرفت. اعضای این جنبش باروری را موهبت دانسته و از روش‌های پیشگیری بارداری استفاده نمی‌کنند. این جنبش در کل در آمریکا شکل گرفته و بطور خودجوش و غیر رسمی در آمریکا و همچنین کشورهای کانادا، انگلیس، استرالیا و نیوزلند نیز گسترش یافت. تعداد اعضای آن حداکثر به ۱۰ هزار نفر می‌رسد و نتوانست تأثیری بر افزایش فرزند آوری سفیدپوستان بگذارد. در نمودار ذیل تأثیر زیاد مهاجرت بر افزایش تعداد جمعیت اسپانیولی‌زبان‌ها و آسیایی‌ها نشان داده شده است.

^{۴۳} Reforming American Immigration for a Strong Economy Act (RAISE)

^{۴۴} Kate's Law

^{۴۵} Quiverful

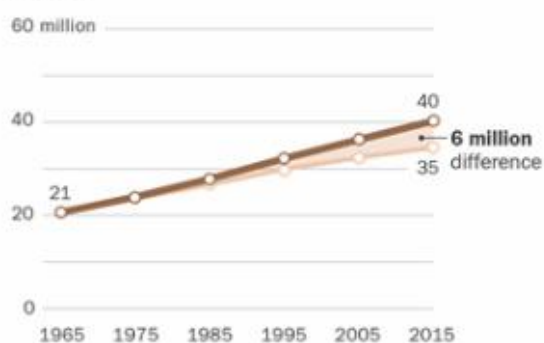
HISPANIC



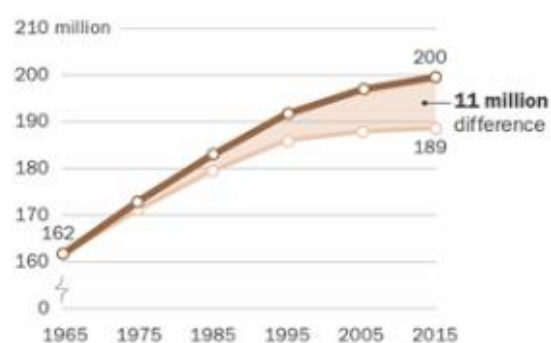
ASIAN



BLACK



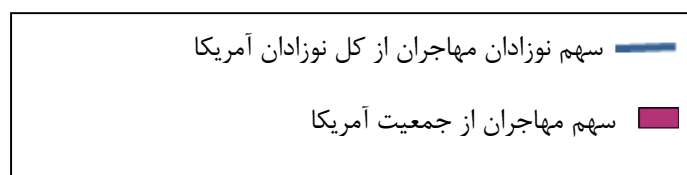
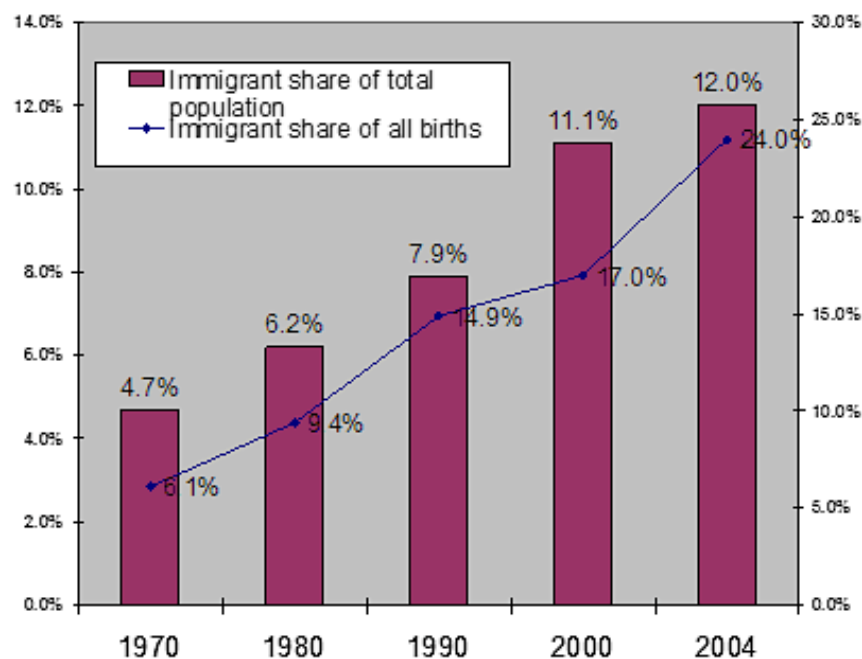
WHITE



نمودار ۱۵- مقایسه میزان باروری تیره‌های مختلف در ۱۹۶۵ و ۲۰۱۵ در دو حالت واقعی (پررنگ) و پیش بینی شده (کمرنگ)

نژاد	نرخ باروری زنان در ۱۹۶۵	نرخ باروری زنان در ۲۰۱۵
سفید پوست	۲,۳۷	۱,۷۱
سیاه پوست	۲,۹۴	۱,۹۱
اسپانیولی (مکزیک، آمریکای لاتین و ...)	۳,۱۰	۲,۵۳
آسیای شرقی	۲,۳۷	۱,۶۶

جدول فوق نشان می‌دهد که علاوه بر مهاجرت مستقیم، نرخ باروری بالاتر مهاجران غیر سفیدپوست بر افزایش جمعیت آنها تأثیر بیشتری گذاشته است. (نمودار بعد)



نمودار ۱۶- سهم نوزادان مهاجران (منحنی آبی) از کل نوزادان آمریکا نسبت به افزایش سهم مهاجران (نمودار ستونی) از جمعیت

با توجه به تعداد بالای مهاجران اسپانیولی زبان (عمدتاً از کشور مکزیک) و ۷ برابر شدن جمعیت آنها در آمریکا حتی در صورت ممنوعیت مهاجرت، جمعیت فعلی مهاجران برای ایجاد تغییرات نژادی گسترده در جمعیت آمریکا کافی پیش‌بینی می‌شود.

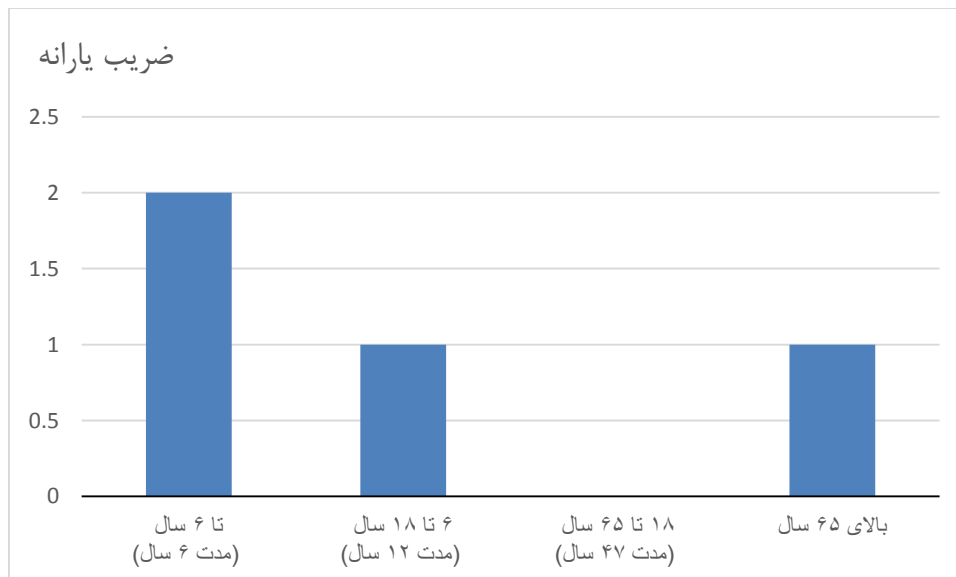
نژاد	جمعیت در سال ۱۹۶۵	پیش‌بینی ۲۰۱۵ بدون مهاجرت	واقعیت ۲۰۱۵	افزایش ناشی از مهاجرت
سفید پوست	۱۶۲	۱۸۹	۲۰۰	۷٪
سیاه پوست	۲۱	۳۵	۴۰	۲۴٪
اسپانیولی	۸,۱	۲۰	۵۷	۶۱۲٪
آسیایی	۱,۳	۱,۶	۱۸	۱۲۰۰٪

با توجه به آمار فوق کاهش جمعیت سفیدپوستان از ۶۴ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۵۰ پیش بینی شده است.

۳. بخش سوم: جمع بندی

در این گزارش سیاست‌های جمعیتی کشور آمریکا در دو بخش شامل سیاست‌های فرزندآوری و سیاست‌های مهاجرتی ارائه شد.

سیاست‌های فرزندآوری را می‌توان به دو دسته سیاست‌های افزایشی و کاهشی تقسیم نمود. سیاست‌های کاهش نرخ باروری در زمان ریاست جمهوری نیکسون کلید خورد. دو برنامه پژوهشی انجام شده یکی در زمان خود نیکسون و دیگری در دوره ریاست جمهوری فورد چندان مورد اقبال قرار نگرفت. برنامه اول به داخل آمریکا و برنامه دوم به تاثیر تغییرات جمعیتی سایر کشورها بر منافع آمریکا مربوط می‌شد. در مورد قوانین و سیاست‌های افزایش نرخ باروری در آمریکا می‌توان گفت هیچ قانون مصوبی در حال حاضر وجود ندارد. با این حال از سال گذشته طرح‌هایی توسط سناتورها و موسسات پژوهشی ارائه شده است که در فصل ۱-۵ به آن‌ها پرداخته شده است. سیاست‌های پیشنهاد شده جدید افزایش نرخ باروری که در چند سال اخیر در آمریکا مورد توجه قرار گرفته است، بیشتر مبتنی بر حمایت‌های مستقیم اقتصادی می‌باشد. تفاوت آن‌ها با سیستم یارانه‌های فعلی ایران این است که به همه اعضای خانواده تعلق نمی‌گیرد بلکه به افراد زیر ۱۸ سال تعلق گرفته و به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود. حتی در بعضی پیشنهادها عنوان شده که این حمایت‌ها برای کودکان زیر ۶ سال بیشتر باشد. درکل هدفمندی و پلکانی بودن نظام یارانه‌ای بر مبنای سن و نه توان اقتصادی خانواده و اعضای آن پیشنهاد شده است. این موضوع موجب افزایش رقم پرداختی یارانه و وابستگی بیشتر آن به تعداد فرزندان خانواده شده است. مثالی از الگوی وابستگی یارانه به سن در شکل زیر ملاحظه می‌شود.



در بین کشورهای سازمان همکاری اقتصادی، آمریکا تنها کشوری است که قانونی برای مرخصی بارداری و زایمان در آن وجود ندارد و تنها قانون موجود شامل حمایت از بازگشت به کار زنان، آن هم ظرف مدت کوتاهی پس از زایمان است. همچنین در برخی از ایالت‌های آمریکا حمایت‌های بسیار خفیفی شامل ۵ درصد تخفیف شهریه مدرسه در ایالت کالیفرنیا برای فرزندان سوم به بعد وجود دارد که در این گزارش به آنها پرداخته نشده است.

بخش دیگری از سیاست‌های جمعیتی شامل سیاست‌های مهاجرتی می‌باشد. سیاست‌گذاری مهاجرتی شامل هر گونه سیاستی است که یک دولت برای ورود مهاجران (عموماً اقامت یا کار) اتخاذ می‌کند. سیاست‌های مهاجرتی کشور آمریکا بسیار شناور و مبتنی بر اقتضائات زمانی تدوین می‌شود و در زمان‌های مختلف شاخص‌هایی همچون میزان مالیات پردازی، میزان سرمایه‌گذاری و تخصص متقاضیان مهاجرت از یک طرف، و نیازهای شغلی، نرخ باروری و شرایط اقتصادی کشور از طرف دیگر بر آن موثر بوده است. مشکلات مربوط به پناهندگان، اختلافات نژادی و بیم از گسترش تروریسم موجب شده است که دولت جدید آمریکا سعی در افزایش نرخ باروری نماید. پیش از شروع جنگ‌های جهانی سیاست آمریکا افزایش جمعیت و جذب نیروهای کار بوده است و تنها فیلترهایی برای عدم ورود افراد مجرم، بیمار و ... اعمال می‌شده است. پس از جنگ جهانی دوم مهاجرت از اروپا و در دهه‌های بعد مهاجرت از کشورهای کمونیستی افزایش یافته است. با ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی و افزایش رفاه در کشورهای اروپایی و آسیایی، در سال‌های اخیر مبدا مهاجران به کشور آمریکا از این کشورها به مکزیک و کشورهای فقیر آمریکای لاتین تغییر یافته است. لذا در دو دهه اخیر به دلیل از بین رفتن تنوع مهاجران و ورود مهاجرانی که از فقر به آمریکا وارد می‌شوند و هزینه‌های گزافی به آمریکا وارد می‌کنند، این کشور اقدام به سیاست‌های جلوگیری از ورود مهاجران مکزیکی و لاتین نموده است. اما نرخ باروری بالای این مهاجران، درخواست‌های ویزای خانوادگی، و وجود مرز ۳۲۰۰ کیلومتری میان آمریکا و مکزیک که ورود غیرقانونی را امکان‌پذیر نموده است، موضوع تغییرات نژادی به معضل مهمی برای دهه‌های آتی آمریکا تبدیل شده است. جرج بوش سعی کرد با تعریف برخی شرایط و پرداخت جریمه اقامت برخی از مهاجران غیرقانونی را قانونی کند اما موفق نشد. اوباما سخت‌گیری در ورود زمینی به آمریکا را در پیش گرفت و با دو برنامه داپا و داسا سعی کرد به تعدادی از مهاجران غیرقانونی اجازه کار بدهد تا مهاجران کم ریشه دارتر در آمریکا را ترغیب به خروج کند. دولت ترامپ نیز با اجرایی کردن قانون سال ۲۰۰۶ دیوار مکزیک و افزودن سخت‌گیری به مهاجران غیرقانونی مانند اخراج‌های طولانی مدت و زندانی کردن سعی در کاهش ورود مهاجران غیرقانونی دارد.

References

- (1969, JULY 18). Retrieved from POPULATION-SECURITY: http://www.population-security.org/rockefeller/001_population_growth_and_the_american_future.htm
- (2017). *Key characteristics of parental leave systems*. OECD - social policy division - directorate of employment, labour and social affairs.
- Grant, L. (2010). The great silence: U.S. population policy. *An NPG (Negative Population Growth) Forum Paper*, www.npg.org.
- Hildebrand, L. (2016, October 18). *UNIVERSITY of WISCONSIN–MADISON*. Retrieved from UNIVERSITY of WISCONSIN–MADISON: <https://news.wisc.edu/uws-smeeding-others-offer-proposal-for-reducing-child-poverty-in-u-s/>
- Khanna, R. (2017, SEPTEMBER 13). Retrieved from USA Congress: <https://khanna.house.gov/media/press-releases/release-sen-sherrod-brown-and-rep-ro-khanna-introduce-landmark-legislation>
- Martinez, G. M. (2018). *Fertility of men and women aged 15-44 in the United States: National survey of family growth*. U.S. department of health and human services.
- Rachel West, M. B. (2015). *Harnessing the child tax credit as a tool to invest in the next generation*. Center for American progress.
- Rubenstein. (2011). *Immigration drives U.S. population growth*. NPG (www.npg.org).
- Rubio, M. (n.d.). *Economic growth and family fairness tax reform plan*. USA Senate.
- West, R. (2015). *Harnessing the child tax credit as a tool to invest in next generation*. Center for American Progress.